

## قزاقستان، سقوط دولت بدنبال خیزش توده ای

صفحه ۳

سیاوش دانشور

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

با هیئت اجرایی حزب

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، سعید یگانه



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۷ دی ۱۴۰۰ - ۷ ژانویه ۲۰۲۲

## مذاکرات برجام، بازیگر اصلی مردم ایرانند!

صفحه ۱۳

گفتگوی تلویزیون پرتو با جمال کمانگر

اعلامیه حزب حکمتیست در باره تعیین

دستمزد سالانه کارگران

**دستمزد مکفی خواست فوری**

**طبقه کارگر است!**

## درخواست بازگشت ایرانیان خارج کشور، تلاشی فریبکارانه و

محکوم به شکست

صفحه ۱۶

سعید آرمان

بار دیگر دولت و کارفرمایان، برای تحمیل دستمزدی چند بار زیر خط فقر به کارگران دورخیز کرده اند. سیاست دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرمایان، ارزان سازی مستمر نیروی کار و افزایش سود سرمایه است. خط فقر رسمی در ایران بالای شانزده میلیون و در کلان شهرها بیشتر است. دستمزد فعلی و شیوه "افزایش" آن براساس نرخ تورم جعلی بانک مرکزی، کماکان دستمزدها را دستکم سه بار و در بخشهای بیشتری چند بار زیر خط فقر نگاه میدارد. هدف طرح و لایحه "دستمزد توافقی" و "دستمزد منطقه ای"، که مجموعاً دستمزد دریافتی کارگران را باز هم کاهش میدهد، بازتولید ارزانتر نیروی کار است. همینطور قدرت خرید واقعی کارگران با گرانی بیوقفه و تورم سنگین و تبعات شناور کردن نرخ دلار هر روز سقوط می کند. سرکوب رهبران کارگری، ممنوعیت تشکل و تحزب کارگری و گسترش استبداد در کل جامعه، سنگ بنای سیاست تهاجم مستمر به سفره خالی کارگران است.

## مبارزات معلمان علیه سرکوب و تبعیض

صفحه ۱۷

احمد بابائی

از نظر ما و کارگران پیشرو و کمونیست، "شورای عالی کار" بعنوان صفحه ۲

## حزب 'کمونیست کارگری'!

از تفاوت های ما تا "ما همه با هم هستیم"!

صفحه ۱۸

جاوید حکیمی

### ستون اخبار مبارزات کارگری و

#### اعتراضات اجتماعی

نظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

### یادداشت ها ...

#### اتوبوس خوابها و جای گرم و شکم

سیر مهدی چمران

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

اعلامیه حزب حکمیت در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

## دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است ...

برسمیت شناخته شده، دخالت طبقه کارگر در روند تعیین دستمزدها، تنها با عمل مستقیم کارگری و متکی شدن به مجمع عمومی ممکن است. یک جنبش مجمع عمومی حول افزایش دستمزدها و تعیین دستمزد و حقوق پایه مکفی، میتواند محدودیتهای کنونی را دور بزند و طبقه کارگر را با پرچمی فراگیر بیش از پیش جلوی صفوف مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه قرار دهد.

دستمزد پایه کارگران باید شامل همه طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و بازنشسته، تولیدی و خدماتی، بدون هیچ استثنائی شود. این دستمزد پایه، اولاً باید جوابگوی تامین هزینه ها و لوازم درخور زندگی انسان امروز باشد و ثانیاً همین میزان بعنوان حقوق پایه مکفی به همه افراد تعلق گیرد. هیچ شاغل یا آماده بکار یا شهروندی نباید از حداقل حقوق پایه که بالاتر از خط فقر است و میزان آن توسط مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعیین میشود، دریافت کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمیت بخشهای مختلف طبقه کارگر را برای برافراشتن خواست دستمزد و حقوق پایه مکفی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت

۱۵ دیماه ۱۴۰۰ - ۵ ژانویه ۲۰۲۱

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده

ای را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و

فردا ارگان حاکمیت!

نهادی کارفرمائی متشکل از دولت و کارفرما و چند مزدور حکومتی، صلاحیت تعیین حداقل دستمزدها را ندارد. کارگران کمونیست مخالف الگوی سه جانبه گرائی هستند و تصمیمات نهاد کارفرمائی "شورای عالی کار" را برسمیت نمی شناسند. مرجع تعیین دستمزدها تنها در صلاحیت نمایندگان واقعی و منتخب طبقه کارگر از جمله مجامع عمومی کارگران است. یک هدف طرح "دستمزد منطقه ای و توافقی"، برداشتن هر نوع قانون و چهارچوبی در رابطه کارگر و کارفرما و تداوم محرومیت کارگر از تشکل و قرارداد دستجمعی و امنیت شغلی است.

حزب حکمیتست همراه با کارگران پیشرو در تعیین و طرح خواستههای طبقه کارگر خود را به "امکانات و مقدورات" بورژوازی محدود نمیکند. همینطور محاسبه حداقل دستمزدها براساس میزان نرخ تورم و یا با شاخص خط فقر سیاست ما و کارگران کمونیست نیست. ما مخالف شدید نظامی هستیم که هر روز صدها میلیون دلار هزینه فساد و تروریسمش است اما برای طبقه کارگر و مردم محروم "سبد خانواده کارگری" تعیین می کند. کشمکش واقعی در ایران برسر نفی این آپارتاید طبقاتی و فلاکتی است که توسط طبقه حاکم به دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان تحمیل شده است. نقطه عزیمت ما حق بی چون و چرای همه ساکنین کشور برای برخورداری از یک زندگی مرفه و انسانی است. سیاست ما درهم شکستن سیاست تشدید فقر و بیدار آوردن بخشهای مختلف محرومان زیر پرچم طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت است.

### "دستمزد و حقوق پایه مکفی" شعار روز طبقه کارگر

از آنجا که کارگران ایران بدلیل سرکوب سیاسی فاقد سازمانهای توده ای مستقل از دولت هستند و اساساً در روند تعیین دستمزدها نقشی ندارند، همینطور بیشتر کارگران از شمول همان قانون ضد کارگری کار بیرون گذاشته شده اند و اصلاحیه های جدید قانون کار بخش بیشتری از کارگران را محروم تر و غیر ایمن تر میکند، از آنجا که تعیین حداقل دستمزد کارگران به مبنائی برای تعیین دریافتی دیگر بخشهای اردوی کار تبدیل میشود، با توجه به اینکه بخش مهمی از جامعه در فقر و نداری دست و پا میزند و هیچ ارگانی مسئولیت این وضعیت را بعهده نمی گیرد؛ سیاست طبقه کارگر برافراشتن پرچم دستمزد و حقوق پایه مکفی برای کلیه شهروندان و افراد آماده به کار است. سیاست طبقه کارگر، نظر به محدودیت های جدی شمول حداقل دستمزد و رفع مسئولیت دولت از تامین معیشت دهها میلیون حاشیه نشین و بیکار و مردم فقر زده، پاسخی به این سوال محوری و کلیدی جامعه است.

از نظر عملی، نظر به سرکوب و فقدان سازمانهای کارگری مستقل و

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## قزاقستان، سقوط دولت بدنبال خیزش توده ای

سیاوش دانشور

آغاز سال ۲۰۲۲ تنها با گسترش امیکرون و محدودیتهای عذاب دهنده همراه نبود، خبر خوش خیزش توده ای کارگران و مردم زحمتکش قزاقستان بر علیه گرانی بنزین و درهم پیچیدن تومار حکومت سلطان نظربایف و قاسم توکایف بود. پائین کشیدن مجسمه های نظربایف یادآور پائین کشیدن مجسمه های محمد رضا پهلوی در انقلاب ایران و یادآوری به خامنه ای است که چنین روزهایی در انتظار است.

گرانی بنزین و نان و مایحتاج مردم در قزاقستان، با شورش توده ای علیه حکومت پاسخ گرفته است. با گسترش اعتراضات به شهرهای مختلف دولت کنترلش را بر امکانی مهم از جمله فرودگاه از دست داد. منابع دولت روسیه در روزهای قبل گفتند یک خواست مردم "متوقف کردن واکسیناسیون" است. ممکن است افرادی همه جا این نظر را داشته باشند و دارند، اما انتساب کل این حرکت به چنین گرایشی، آنهم با توجه به خواستهای رفاهی و اقتصادی طرح شده، بیشتر به پرووکاسیون خبری شبیه است. گسترش اعتراضات و شلیک و سرکوب نیروی پلیس جواوگوی قدرت در خیابان نبود و به استعفای نخست وزیر و سقوط کابینه انجامید. اما هنوز حکومت سرچاپش است و معاون وزیر مستعفی قرار است دولت تشکیل دهد. اینکه مردم ستمدیده کجا می ایستند و تا کجا جلو میروند هنوز ناروشن است. آنچه روشن است اینست که بانی و مسبب این اوضاع نظام کنونی است.

رسانه های غربی، توده ایست ها و طیف پرو پوتین، در مورد تحلیل رویداد قزاقستان، بنظر هنوز از کمای پایان دوره جنگ سرد بیرون نیامدند و یا ترجیح میدهند با معیارهای آندوره و سالهای متحول بعد آن به ارزیابی از سقوط دولت قزاقستان بروند. دموکراتهای ضد روس تلاش می کنند اعتراض و خیزش مردم را به توتالیتر بودن نظربایف و شرکا نسبت دهند و تصویری از جدال دموکراسی با توتالیترسیم ترسیم کنند. عمده اینها زمانی قبله آمالشان اردوگاه شوروی و سوسیالیسم بورژوائی بود و در تحولات دهه نود و سقوط شوروی، سرباز بازار آزاد و پرچمدار دموکراسی تاجر و ریگان شدند. آنها در آنزمان در صف اول آنتی کمونیسیم، مبارزه با "توتالیتریانیسم" و در دفاع از بازار آزاد و دموکراسی بودند.

باید هر خبرنگار شرافتمند از مفسر بپرسد که واقعا نسبت دادن دولت و حکومت نظربایف به شوروی که همین هفته ها برای سی مین سال سقوطش کلی جشن راه افتاد، چه ربطی دارد؟ قزاقستان از سال ۱۹۹۱ مثلا "استقلال" یافته و بازار آزاد پیروزی را در این بلوک از خود روسیه و کرملین تا کشورهای پیرامونی و حیاط خلوتی که زمانی بلوک شرق نامیده میشد کوبیده است. قزاقستان یک کشور پهناور با منابع عظیم نفتی و معدنی ثروتمند است اما مردم در فقر و بدبختی دست و پا میزنند. نظربایف پینوشه دیگر شماسست، همان کسی که در سال ۲۰۱۱ کارگران اعتصابی نفت را به گلوله بست و چهارده کارگر را کشت و دهها نفر را زخمی و زندانی و شکنجه کرد. این همان دولت است که

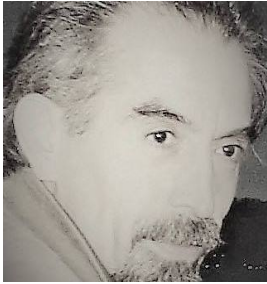
نرخ بنزین و ارزاق را مثل بازار جهانی دمکرات بالا برده و مردم علیه اش دست به شورش زده اند. در پس معاینه تازه دکنتر دموکراتهای مفسر برای یافتن مرض توتالیترسیم، دفاع از سرمایه داری و اصل عمل نظربایف و قاسم توکایف یعنی گرانی بنزین خوابیده است. آنها نمیخواهند قبول کنند و اعتراف کنند که سرمایه داری جهان را به گند کشیده است. هنوز در فاز "پایان تاریخ" اند. فوکویاما حرفش را پس گرفت و ژورنالیسم غربی در بحران اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ از "سقوط دیوار برلین بازار آزاد" سخن گفت، اما تازه دموکراتهای جهان سومی و اصلاح طلب هنوز دست بردار نیستند!

در سمت مقابل طیفی از هواداران بلوک شرق سابق و استالینیست ها و برژنفیست ها و اخیرا طرفدار زوگائف و پوتین قرار دارند. طیفی که از محور مقاومتی تا توده ای و چپ آنتی امپ را دربرمیگیرد. اینها بر این نظرند که این شورش کار آمریکا است. نوعی انقلاب مخملی است. برای این طیف ایدا اعتراض مردم به سیاست نظربایف و توکایف مطرح نیست، همان الگو و چهارچوب دفاع از بلوک شرق سابق مینا است. چون حزب برادر و خواهرشان زوگائف مدافع و متحد پوتین است، آنها هم از پوتین و سیاست روسیه و کشورهای هم پیمان منطقه در مقابل آمریکا دفاع می کنند. اتفاقا نظربایف-توکایف در قزاقستان همان نقش پوتین-مدونف در روسیه را بازی کردند و مثل بقیه بورژوازی در هر جای جهان، کارگر در این کشورها را به فقر شدیدتر و سرکوبی خشن تر محکوم کردند.

سلطان نظربایف کسی مثل خامنه ای و خاندان پهلوی است. او و اعضای فامیلش و لایه نازکی از حکومتی ها قزاقستان را به نام خود سند زدند و از نفت و منابع و همه چیز در انحصار آنها و به جیب گشاد و حسابهای بانکی آنها در دموکراسی غربی میروند. مردم این وضع را نمیخواهند، از فقر و سرکوب و فساد به تنگ آمدند، به گرانی بنزین در مملکتی که تولید کننده مهم نفت است اعتراض دارند، از شکنجه و ترور در زندانها خسته شدند. طرفداران غرب که آگاه بر انحصار خانوادگی و مافیائی در روسیه و قزاقستان و کشورهای دیگر هستند، آنها را "الیگارش" خطاب می کنند تا نگویند طبقه جدید سرمایه دار و دیکتاتوری سرمایه متکی به دستمزد ارزان کارگر محصول دموکراسی. این مردم بیباخاسته بالاخره "پدر ملت" را بزیر کشیدند تا بلکه روی پای خودشان بایستند. تا دیگر رعیت و برده نباشند و سلطان و شاه نخواهند.

خیزش مردم ستمدیده قزاقستان برای نان و علیه دیکتاتوری حاکم است. دولت قزاقستان مثل خامنه ای و پرو روس ها این تحرک را به "دشمنان خارجی" نسبت داد و قاسم توکایف، از سازمان پیمان امنیت جمعی (سی اس تی او) برای سرکوب معترضین درخواست کمک کرد. این سازمان برای اعزام نیرو و برگرداندن "ثبات و آرامش" به قزاقستان پاسخ مثبت داده است. تا امروز اخبار از کشته شدن دهها نفر و تعداد بیشتری زخمی و صدها بازداشتی سخن میگوید.

مردم حق دارند علیه گرانی و فقر، علیه سیاستهای دولت های سرمایه داری، علیه حکومت های استبدادی و دیکتاتوری سرمایه اعتراض کنند. همه جا از جمله در ایران راه همین است. خامنه ای ها باید بترسند. مرگ بر حکومت فقر و فلاکت!



## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

با هیئت اجرایی حزب

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، سعید یگانه

کارگری، در مورد همسان سازی و افزایش دستمزد، استخدام رسمی و رفع تبعیض، در رفاه همگانی و امنیت شغلی خلاصه میشود. اینها خواسته‌هایی هستند که امروز در مقیاس وسیع طرح میشوند و مورد تأیید و وثوق نیروی وسیعی از کارگران است. اما اگر بخواهیم از اولیتهای در تعیین خواستهها و شعارها صحبت کنیم، در جامعه ایران نظر به چشم انداز فلاکت اقتصادی گسترده و سرکوب مستمر، خواست افزایش دستمزدها و تعیین همین مبنا بعنوان حقوق پایه برای همه افراد، باضافه ایجاد سازمانهای کارگری از نیازهای مبرم امروز کشمکش طبقاتی است. در عین حال مبارزه کارگران به دلایل و صورتهای مختلفی شروع میشود. شرایط بغرنج و هردمبیل سازمان کار و قوانین مترتب به آن، کارگر را اسیر کلافی کرده که نمیتواند علیه آن حرف نزند. شبکه اختاپوسی شرکتهای پیمانی و قوانین آن، خصوصی سازی ها که یکباره محل کار هزاران نفر را میخواد تعطیل کند، مقاومت های برحق ایجاد میکند که باید سیاست درستی در قبال آن داشت. تحقق خواست امنیت شغلی و قراردادهای ایمن، بدون عقب راندن و زمین کوبیدن شرکتهای پیمانی و سیاست خصوصی سازی و شبکه مافیائی موازی که در هر رشته و شاخه صنعتی و خدماتی حرف اول را میرند، ممکن نیست. کارگران ناچارند علیه سیاستهای رایج حکومت و کارفرمایان و برای عقب راندن آنها در سنگرهای مختلف تلاش کنند. روشن است که سیر مبارزه جاری نه همه سوالات و خواستههای طبقه کارگر بلکه مواردی کلان تر و دربرگیرنده تر را کانونی و مبارزه حول آن قطبی میشود. در کل این کشمکش، سیاست ما برجسته کردن آن مواردی است که اولاً به اتحاد طبقه کارگر کمک می کند و ثانیاً انتقاد ضد سرمایه داری طبقه کارگر به وضع موجود را در موقعیت بهتری قرار دهد. در شرایط کنونی مسئله نان شب و دستمزد و حقوق، سرپناه و دارو و درمان و نیازهای اولیه بقاء، به صدر رانده شده است.

این اوضاع ما را به مکان کارگر و جنبش رهائی بخش کارگری و سوسیالیستی در تحولات سیاسی میرساند. امروز ایران تنها کشوری در جهان است که با موج اعتصاب و اعتراض کارگری روبرو است. نظر به سیاستهای طبقه حاکم و دولت منحوس اسلامی، چشم انداز اینست که کشمکش طبقاتی اشکالی حادثتر و خرده کننده تر و ترکیبی از اعتراضات توده ای و اعتصابات کارگری بخود بگیرد. موتور محرکه این جنبش اعتراض کارگران علیه وضع موجود است و سهمش را از زندگی میخواد، اما میتواند و تلاش ما اینست که به نقدی سوسیالیستی و کمونیستی از تمامیت حاکمیت سرمایه در مبارزه جاری متکی و پرچمدار آزادی جامعه شود. این فلسفه وجودی و وظیفه حزب حکمتیست و کارگران کمونیست و اردوئی است که در تحولات پیش رو برای جلو راندن و پیروزی یک راه حل سوسیالیستی

صفحه ۵

**کمونست هفتگی:** ارزیابی حزب حکمتیست از مبارزات کارگری چیست؟ کدام مسائل در سطح جنبش کارگری اساسی اند و جنبش کارگری چه جایگاهی در سیاست ماکروی ایران دارد؟

**سیاوش دانشور:** اعتراض و اعتصاب کارگری به خبر روز در ایران تبدیل شده است. از نظر تعداد و زمان اعتصابات بیشتر و گسترده تر شدند، از نظر جغرافیائی کمابیش اشکالی سراسری- رشته ای یافته اند. از نظر طرح خواستهها یک نوع هم جبهتی و همزبانی ایجاد شده است. مبارزه گسترده برای الغای شرکتهای پیمانی، علیه خصوصی سازی ها، علیه واگذاری صندوق های بیمه و بازنشستگی و محل کار و زندگی کارگران به بازار بورس، علیه قراردادهای غیر ایمن و برده وار، علیه تبعیض شدید در دستمزدها و حقوقها، علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر، علیه طب خصوصی و آموزش بازاری، گوشه هانی از هم جبهتی بخشهای مختلف طبقه کارگر در اعتراضات جاری است. در بُعد سازمانیابی، کارگران ممنوعیت قانونی ایجاد سازمانهای توده ای کارگری را با مکانیزمهای پایه ای تر سوخت و ساز درونی طبقه کارگر، شبکه های محافل کارگری و تلاش لایه رهبران عملی کارگران جبران می کنند. هزاران اعتصاب و اعتراض وسیع و شکوهمند بدون رهبری و دخالت این شبکه ها و رهبران عملی ممکن نیست. در این وضعیت کنکرت، کارگران مطلوبیت و فوریت دست بردن به سنت عمل مستقیم کارگری و اتکا به مجمع عمومی و خرد جمعی را دریافته اند. به این دلیل مجمع عمومی به حلقه کلیدی هر اعتراض و اعتصاب کارگری بدل شده است. بعبارت دیگر، علیرغم محدودیتهای سرکوب و اختناق و ممنوعیت های قانونی شدید، جنبش کارگری ایران تنها جنبش تاثیرگذاری است که در متن سیاست حضوری مستمر، بالنده و رو به جلو دارد. مبارزات کارگری ابزار حضور سیاسی پر سر و صدای طبقه کارگر در جامعه است، امری که افق و انتقاد ضد سرمایه داری کارگر در جامعه را تقویت و جلو رانده و حتی بدرجائی و در شکل سر و دم بریده به ادبیات اپوزیسیون بورژوائی تحمیل کرده است. ما در مسیری هستیم که نقد سوسیالیستی طبقه کارگر به وضع موجود فراگیرتر، علنی تر و صریح تر به مرکز جدال سیاسی رانده خواهد شد. محدودیت ها و ضعفها هم کم نیستند که بجای خود باید مشخص تر بررسی شود، بخشاً تحمیلی و حاصل اختناق اند و بخشاً نتیجه نگرش و سنت کار و افق محدود و بدرجائی نیز نتیجه تقابل منافع و تاثیر گرایشهای راست و فرقه ای بر سیر مبارزه و اتحاد کارگران است.

مسائل اساسی و فوری امروز در جنبش کارگری را میتوان از دریچه خواستههای مشترک بیشتر اعتراضات بروشنی دید که بالاتر اشاره شد. همینطور نگاهی به خواستهها و پرچمهای مبارزاتی بخشهای مختلف

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**



گرامیداشت اول مه و احیای این سنت جهانی کارگری به عرصه پرشور سازماندهی، اتحاد و همبستگی و اعلام کیفرخواست کارگری علیه کاپیتالیسم تبدیل شد. در نتیجه جنبش کارگری پختگی خود را از دل چنین جدال همه جانبه ای کسب کرده است. اکنون با جنبش کارگری ای پرتجربه، صاحب فعالین و رهبران خودآگاه و حاضر در صحنه، دارای

مطالبات اقتصادی و سیاسی روشن روبرو هستیم. اعتصابات و اعتراضات کارگری جاری گوشه ای از پتانسیل بالایی است که با اندک تغییری در تناسب قوا شاهد جهش بزرگی خواهیم بود و نقش تعیین کننده ایفا خواهد کرد. با چنین پیشینه ای و بر بستر چنین زمینه ها و حقایقی است که ما در بیانیه مربوط به جنبش کارگری بیش از دو سال قبل در کنگره نهم حزب این چشم انداز را چنین مطرح کردیم که؛ "بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است. مردم جان به لب رسیده جامعه ایران در نبردی بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آینده ای به دور از ستم و رنج و ناهنجاریهای کنونی، به آلتزناتیوی متضمن آزادی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. این باور که طبقه کارگر و آلتزناتیو کارگری ظرفیت و توانایی ساختن آینده ای به دور از حاکمیت سرمایه و استثمار و تبعیض و نابرابری و تحقق سعادت و رفاه همگانی برای شهروندان را دارد، بیش از پیش توجه جنبشهای اعتراضی رادیکال و محرومان جامعه را به خود جلب کرده است. این نقطه عطف مهمی در مسیر تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع آزادی و برابری و حکومت کارگری و رهایی قطعی کل جامعه از مشقات نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی است." (به نقل از بیانیه در مورد جنبش کارگری از کنگره نهم حزب حکمتیست، نوامبر ۲۰۱۹)

از نظر ما این موقعیت هدایت گر و رهبری کننده بر تحولات جامعه، جایگاه جنبش کارگری را در سیاست ماکروی ایران نشان میدهد، برآستی این واقعیت را نه تنها دستداران طبقه کارگر، بلکه در هراس سردمداران جمهوری اسلامی و ترفندهای مقابله جویانه آنها با جنبش کارگری و حتی در ترفند تملق گویی فرصت طلبانه مهرهای شناخته شده اپوزیسیون بورژوازی راست در مقابل "اعتراضات کارگران میهن شان" باید دید.

در نتیجه حزب ما ارزیابی بسیار مثبتی از مبارزات کارگری دارد. به عنوان سمبل درخشان مبارزات کارگری، پیشروهای جنبش کارگری در تحرک اعتصابی و اعتراضی سه ساله اخیر کارگران پیشرو هفت تپه را به همگان باید یادآور شد. آنجا که در سه سال اخیر با اتکا به اتحاد و تشکل شان در فرمت مجمع عمومی و مجمع نمایندگان، اولاً استمرار اعتصاب و اعتراض متحدانه حول خواسته های برحق خود و مطالبات بخشهای مهمی از دیگر رشته های کارگری را تامین کردند. ثانیاً مبتکرانه با کشاندن اعتراضشان به شهر شوش امکان حمایت و دخالت مستقیم توده مردم را فراهم کردند. اتحاد عملی و واقعی

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

### با هیئت اجرائی حزب ...

تلاش می کنند. رادیکالیزه شدن مبارزات کارگری در متن اختناق اسلامی، نوک کوه یخ این رادیکالیسم اجتماعی و راه حل سوسیالیستی است که تنها امید برای نجات جامعه ایران است.

**رحمان حسین زاده:** بگذارید از پاسخ به بخش آخر سئوالتان در مورد جایگاه جنبش کارگری در سیاست ماکروی ایران شروع کنم. اغراق نیست که بگوییم جامعه و جنبشهای اجتماعی سرزنده، پیشرو و رادیکال در جامعه به مثابه نیروی الهام بخش و امیدبخش و هدایت گر به جنبش کارگری چشم دوخته اند. در یک نگاه فشرده به نقش محوری اعتصابات و اعتراضات کارگری در یکدهه اخیر این واقعیت غیر قابل انکار را هر ناظر منصف در آن جامعه می بیند. از اعتصابات و اعتراضات بزرگ کارگران چادرملو و بافق و هپکو و آذرباب و فولاد اهواز و شرکت واحد و ایران خودرو کارگران بخش های مختلف خدمتای، تا اعتصابات همزمان دو ساله اخیر صدها مرکز کارگری نفت و پتروشیمی ها به مثابه یکی از مهمترین بخش کارگری ایران تا میرسیم، به اعتصابات و اعتراضات مستمر، پیگیر و موثر کارگران آگاه و جسور نیشکر هفت تپه به ویژه در سه سال اخیر تصویری ابژکتیو از تحرک مبارزاتی امید بخش به جامعه می تاباند. به همین دلیل در جنبش فرهنگیان و معلمان، جنبش دانشجویان، بازنشستگان، جنبش مدافع حقوق زن و رهایی و آزادی زن، جنبشهای اعتراضی توده ای شهری، آنطور که به طور برجسته در دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ دیدیم، جنبش علیه بی آبی در خوزستان و اصفهان و غیره به نحو آشکاری همسویی و همگامی با جنبش اعتراض کارگری، در طرح خواسته های مشترک و در تقابل با شرایط سخت معیشتی و برای بهبود شرایط کار و زندگی و سلامت در جامعه و بخشاً در روشها مبارزاتی تجربه شده در جنبش کارگری را می بینیم. اکنون تاکید بر اتحاد و همبستگی بین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی رادیکال به سنت جا افتاده تبدیل شده است. یادمان باشد، این رسالت و موقعیت ویژه و الهام بخش جنبش کارگری به آسانی به دست نیامده است. بنیاد این موقعیت از آن زمان پایه گذاری شد، که در متن تحولات بزرگ و انقلابی سال ۵۷ جنبش کارگری و در رأس آن کارگران نفت با به میدان آمدن خود کار رژیم سرمایه سلطنتی را یکسره کردند و شعار "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" جای محکمی باز کرد. در همان دوره این درس بزرگ تجربه شد که لازمه رهایی قطعی جامعه قد علم کردن طبقه کارگر در قامت رهبری تحولات جامعه است. در قدم بعدی در دوره سرکوب خشن سال ۶۰ و تاکنون هم طبقه کارگر و پیشروان آن با ایستادگی و مبارزه جویی موجودیت طبقاتی و جنبشی و مبارزاتی خود در مقابل یکی از هارترین رژیمهای بورژوازی دوران معاصر را تثبیت کردند. سپس دوران سخت جنگ ایران و عراق و پیامدهای آن نتوانست طبقه کارگر را به تمکین بکشاند. از مبارزه علیه لایحه های مختلف قانون کار سراپا ضد کارگری درسهای گرانبهائی آموخته شد. عرصه



به خواستگاه و مطالبات خود که عموماً به دلایل معیشتی و اقتصادی یک منشا دارند، در این تحولات دخیل و نقش ایفا می کنند و دولت سرمایه داری ایران را به مصاف طلبیده اند. زندگی فلاکتیاری به اکثریت مردم کارگر و زحمتکش تحمیل شده است، به این دلیل نقطه اشتراک مبارزات کارگران و مبارزات سایر اقشار تهیدست و تحت

فشار دیگر جامعه، مسئله معیشت و زندگی چندین درجه زیر خط فقر است که این مبارزات را به هم گره زده و درمقابل دولت سرمایه داری ایران به درجه زیادی همبستگی ایجاد کرده است. جنبش کارگری در این میان، جلوی صف بوده و رشد قابل توجهی از جهات مختلفی داشته و در سمت و سو دادن رادیکالیسم سایر جنبشهای اعتراضی در جامعه نیز نقش داشته است. اگر چه اعتراض کارگری بر سر مطالبات کارگری و معیشتی هر روزه و مدام در اکثر واحدهای تولیدی و معادن در جریان است، اما در مراکز از تولید، مبارزات کارگری اوج گرفت و بطور مثال در هفت تپه با یک مبارزه سخت و با همبستگی و خرد جمعی توانستند از موانع متعددی عبور کنند و خواستههای خود را به دولت و کارفرما تحمیل کنند. این دستاورد و موفقیت بزرگی در این دوره از مبارزات کارگری به شمار می رود. حضور طیفی وسیعی از رهبران لایق و دلسوز، آگاه و پیشرو کارگری در راس این مبارزات و رشد جنبش مجامع عمومی کارگری در بخش قابل توجهی از مراکز تولیدی، دو خصوصیت درخشان این دوره از مبارزات کارگری است که وجود آنان در پیشروی و دستاوردهای تاکنونی جنبش کارگری نقش پررنگی داشته اند.

مسئله اساسی در جنبش کارگری، پراکندگی مبارزات کارگری، علیرغم گستردگی و وسعت آن است. خلأ رهبری سراسری در جنبش کارگری یکی دیگر از مشکلات اساسی این دوره جنبش کارگری است. در سطح محلی و فابریکی این مبارزات توسط شبکه فعالین و رهبران و بعضاً از طریق مجامع عمومی کارگری هدایت می شوند، اما این ابزارها در سطح سراسری عمل نمی کنند. یکی از موانع پیشروی جنبش کارگری سرکوب و اختناق و بخصوص فشار روی فعالین است که این پیشروی را کند کرده است. جنبش کارگری می رود که از این مانع عبور کند، سد اختناق را بشکند و تناسب قوا را به نفع خود تغییر دهد. دومین مسئله گرهی جنبش کارگری، تشکل یابی کارگران است که امروز به درست به دغدغه جنبش کارگری و فعالین این جنبش تبدیل شده است و جنبش مجامع عمومی با توجه به تجارب این دوره از مبارزات کارگری و نقشی که مجامع عمومی کارگری در پیشبرد و موفقیت آن در مراکز از تولید داشته، مورد توجه جدی قرار گرفته است. به دلایل فوق جنبش کارگری در حال حاضر علیرغم کمبودهای جدی و موانع سر راه، به جنبشی مطرح در سطح جامعه و سیاست در ایران تبدیل شده است و جمهوری اسلامی علیرغم سرکوبگری و وحشیگری در مقابل اعتراضات و جنبشهای اجتماعی، محتاطانه با مبارزات کارگری روبرو می شود.

**کمونیسیت هفتگی:** مسئله سازمان و رهبری چه در قلمرو محلی و چه سراسری یک سوال کلیدی است. حزب تاکید ویژه ای روی مجمع عمومی و جنبش مجمع عمومی دارد؟ چرا و دلایل کدامند؟

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

### با هیئت اجرایی حزب ...

جنبش کارگری و مردم معترض را فراهم کردند و در این چهارچوب خانواده های کارگری به بخش لاینفک اعتصاب و اعتراض تبدیل شدند، و ثالثاً خلاقیت بزرگ آنجا بود در طول این مدت سه ساله با خنثی کردن انواع ترندها و سرکوبگریها و نیرنگهای متعدد کارفرما و دولت حامی صف متحد و امیدوار کارگران با سرزندگی و استقامت بیمانند حفظ شد و این را مدیون مجمع عمومی متحد کننده شان هستیم و نهایتاً با تحقق خواست محوری خلع ید از کارفرما و بخش خصوصی، و تحقق بیشتر خواسته هایشان پیروزی بزرگ کارگران هفت تپه جشن گرفته شد. مسئله مهم مشاهده این واقعیت است که درسها و دستاوردهای هفت تپه در اعتصاب و اعتراضات دیگر مراکز و رشته های کارگری در حال بکارگیری و تکثیر است. مبارزات درخشان هفت تپه مرزها را درنوردید و نور دیگری بر چهره بسیار مثبت جنبش کارگری ایران در نزد سازمانهای کارگری جهانی و نهادها و افکار عمومی مترقی دنیا تاباند. این تصویر روشن از جنبش کارگری ایران با اعتصاب همزمان و بیش از یکماه تابستان امثال نزدیک به ۱۲۰ مرکز نفت و پتروشیمی تکمیل شد و به این اعتبار ما از جاری شدن جنبش اعتصابی گسترده صحبت کردیم. به علاوه نباید از یاد برد، جنبش کارگری با تیش مبارزاتی خود قبل از دیماه ۹۶، با اعتصابات و اعتراضات کارگری مداوم، زمینه ساز به میدان آمدن توده ای مردم معترض علیه فقر و بیکاری و گرانی و سیستم فاسد حاکم بود. از آن دوره بیعد در اذهان مردم حق طلب و در افکار عمومی، جنبش کارگری به نیروی اول جدال سیاسی و طبقاتی جاری و به ستون محوری جنبش اعتراض توده ای و سرنگونی طلبانه تبدیل شده است. براین اساس اکنون جنبش کارگری و پیشروان سوسیالیست آن در میان مجموعه متعدد مسائل که باید جوابگوی آن باشند، با دو مسئله بسیار گرهی آنطور که مورد سؤال شما است روبرو هستند. اولاً چگونه با تامین رهبری سراسری تر در جنبش کارگری با اعتصاب و اعتراض کارگری سراسری تر و قدرتمند تر در مقابل کارفرما و کل هیئت حاکمه بورژوا اسلامی اعتراض و مبارزه خود را ادامه میدهند؟ دوماً چگونه در قامت رهبری عملی کل جنبش اعتراضی فی الحال موجود هدایت تحولات مبارزاتی جامعه را تضمین میکنند؟ در نتیجه بحث تامین رهبری رادیکال کارگری چه در جنبش کارگری و به علاوه بر کل جنبش اعتراضی برسر جدال قدرت برای تعیین تکلیف با سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی روی میز هر کارگر آگاه و کمونیست و پیشروان جنبش کارگری و کمونیستی ایران است. در بخش چه باید کرد به چگونگی تامین ملزومات چنین نقش و رسالت رهبری کننده برمیگردیم.

**سعید یگانه:** در سطوح کلی از نظر ما در این دوره جنبش کارگری پیشروی های محسوسی داشته است. به عبارت دیگر جنبش کارگری در این دوره از جهات مختلفی نسبت به دوره های گذشته به لحاظ خصلت طبقاتی، سیاسی و ضد سرمایه داری دوره متفاوتی را از سر گذرانده است. ما در چند سال گذشته با وضعیت متفاوتی در ایران روبرو هستیم. با تحولات سیاسی جدیدی که هر کدام از جنبشها با توجه

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

### با هیئت اجرائی حزب ...

**سیاوش دانشور:** به این دلیل که باید به امر سازماندهی و تامین رهبری هر مبارزه در سطوح مختلف جواب روشن و بلافصل داد. در جامعه ای که هر نوع تشکل و حزب بویژه برای کارگر و کمونیسیم قانوناً ممنوع شده است، کارگر برای سازماندهی اعتراض خود باید به خلأ فقدان تشکل کارگری پاسخ دهد. برای اینکار به اشکال اولیه تر تشکل و اتحاد درون طبقه از محافل رهبران عملی کارگران، شبکه محافل کارگری، خانواده کارگری، تجمع و تشکیل مجمع عمومی رویبورد. کارگر حتی آنجا که "خودبخودی" و از سر اعتراض به مثلاً ندادن حقوق ها وارد صحنه میشود، حتی اگر بسیار اتفاقی و خودانگیخته باشد، بلافاصله نیازهای این مبارزه و منافع جمعی، ساختاری به معترضین میدهد که حرفشان را بتوانند دستجمعی بیان کنند. مجمع عمومی فوراً خلأ ممنوعیت سازمان کارگری را پر میکند و با دور زدن اختناق کارگر را به صحنه میآورد و در سیر مبارزه بعنوان ارگان رهبری و تصمیم گیرنده آن عمل میکند. تجربه مجامع عمومی کارگری در صنایع مختلف ایران و در متن مبارزات کارگری، هم غنی است و هم اثبات مطلوبیت و حقانیت و میرمیت مجمع عمومی و گسترش آگاهانه آن. هر درجه از تشکل و اتحاد کارگران بطور واقعی در متن مبارزه کارگری ساخته میشود یا میتواند حاصل آن باشد. ما میگوئیم در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید چون جواب سر راست و مطلوبی از هر نظر است، پیچیدگی خاصی ندارد، پاسخگو است، ایمن تر است، سرکوب اعتراض جمعی کارگران مشکل تر است، به هر کارگری امکان میدهد که نقشش را ایفا کند، از پائین است، چپ است. ما میگوئیم کسی که دنبال تشکل کارگری است، باید یک فعال دوآتشه مجمع عمومی باشد. چون مجمع عمومی منظم همان شورای پایه کارخانه است. مجمع عمومی و سنت عمل مستقیم کارگری تقسیمات سازمان کار بورژوازی را در تشکل کارگری منعکس نمیکند، برای شرکت در مجمع عمومی و دخالت در امر جمعی لازم نیست عضو جانی بشوید، به اعتبار کارگر بودن در محل کار در مجمع عمومی شرکت میکنید. در عین حال ما روی جنبش مجمع عمومی تاکید ویژه داریم. امروز تشکیل مجمع عمومی در اعتراضات کارگری یک داده است و ضرورتی به اثبات وجودی آن نیست. تقریباً همه اعتراضات کارگری به مجمع عمومی متکی میشوند. مسئله اینست که رهبران عملی کارگران، کارگران پیشرو و سوسیالیست و کمونیسیت، راساً و آگاهانه فعال مجمع عمومی و راه انداختن مجمع عمومی و متکی شدن به مجمع عمومی برای هر سوال و مسائل کارگران در تمام سطوح از قسمت و کارگاه یا بخش و خط تولید یا کل کارخانه شوند. جنبش مجمع عمومی یعنی تبدیل مجمع عمومی به مکانیزمی برای حل مسائل و سوالات مبارزاتی کارگران. جنبش مجمع عمومی چند کار ویژه باید صورت دهد: اول، همه جا بر گسترش و جاانداختن و شناساندن مجمع عمومی میان کارگران تلاش کند. دوم، متکی شدن به مجمع عمومی قدمی اول و مهم و تعیین کننده در منظم کردن مجمع عمومی است. منظم کردن مجمع عمومی رکن اساسی ایجاد شورای کارخانه است. ما همیشه گفتیم که مجمع عمومی رکن اساسی شورای کارگری و بالاترین نهاد تصمیم گیرنده آنست. در

عین حال شورا چیزی جز مجمع عمومی دائر و منظم، اتکا به عمل مستقیم کارگری و تصمیم جمع کارگران نیست. با جنبش مجمع عمومی در مراکز مختلف تولیدی و خدماتی، ما میتوانیم پایه های اساسی یک جنبش قوی شورائی کارگری را بگذاریم که در سیر تحولات بعنوان یکی از اهرمهای مهم قدرت طبقه کارگر در صحنه سیاسی عمل میکند. امروز نمیتوان مستقیم رفت و شورا یا سندیکا ایجاد کرد و دوام آورد، اما میشود به نیاز مبارزه کارگری جواب داد، اختناق را دور زد، مجمع عمومی ها را منظم کرد و برای ایجاد شورا و اعلام آن در وقت مناسب، سنگ روی سنگ گذاشت. ما داریم از دیدگاهی زنده و با تکیه به تجربه واقعی کارگران روی این مسئله چکش میزنیم. هیچ راه حل دیگری که بتواند یکدم مجمع عمومی به نیازهای مبارزاتی کارگران جواب دهد وجود ندارد. این روشن است که کارگران حق دارند در سطوح مختلف و به اشکال مختلف متشکل شوند و هر نوع تشکل مستقل کارگری حتماً مورد حمایت ما قرار خواهد گرفت، صحبت برسر سیاستی است که فی الحال به نیازهای مبارزه کارگری در مقیاسی وسیع جواب دهد و چشم اندازی وسیعتر داشته باشد.

اما تاکید ویژه ما روی مجمع عمومی و جنبش مجمع عمومی دلیل پایه ای دیگری هم دارد. تعلق به جنبش شورائی یک رکن هویت سیاسی ما بعنوان کمونیسیت کارگری و حکمتیست است. حرکت و دیدگاه شورائی یک سنت مبارزاتی دیرپا میان گرایش رادیکال و سوسیالیست و انقلابی طبقه کارگر جهانی است. ما به این سنت مبارزاتی تعلق داریم و فعال مجمع عمومی و جنبش شورائی و سنت عمل مستقیم کارگری هستیم. تلاش میکنیم که رهبران عملی کارگران هرچه بیشتر به این سنت مبارزاتی متکی شوند و لایه کادری و نسل جدیدی از فعالین جنبش شورائی قد علم کنند. جنبش کارگری همواره و در مقاطع مختلفی صحنه تقابل گرایشات و سنت های مبارزاتی مختلف بوده است که در میان کارگران نفوذ داشتند. سوسیالیسم و کمونیسیم، رفرمیسم و ناسیونالیسم، محافظه کاری و پروتکتیونیسم چهارچوبهائی بودند که بر حرکت و اعتراض کارگران در کشورهای مختلف تاثیر جدی داشته اند. ما فکر میکنیم هر کارگر پیشرو، هر کارگر سوسیالیست، هر رهبر عملی اعتراض کارگری و توده ای، بهتر است که فعال جنبش شورائی و به سنت عمل مستقیم کارگری متکی شود. این راهی است که میتوانیم بیشترین و گسترده ترین اتحاد را میان توده کارگران ایجاد کنیم.

**کمونیسیت هفتگی:** آیا با تشکیل اشکال دیگر سازمانهای توده ای کارگری مانند سندیکا و کانون و غیره مخالفید یا سیاست تان نیست؟ چرا؟

**رحمان حسین زاده:** شاید سؤال گرهی اینست ما به مثابه کمونیسیم کارگری که سیاست محوری مان پافشاری بر مجامع عمومی و تلاش دایمی بر دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی در جنبش کارگری است، در برخورد به اشکال دیگر سازمانیابی توده ای کارگری و به طور مشخص جنبش سندیکایی چه سیاستی داریم.

ما همواره گفته داریم از هر تلاش کارگران برای ایجاد سازمانها و کانونها و نهادهای کارگری متکی به اراده مستقیم خود کارگران، برای پاسخگویی به نیازهای اتحاد و همبستگی و مبارزه کارگری چه برای مقطع محدود و دوره ای و چه برای دوره میان مدت و بلند مدت نیاز کارگران نه تنها حمایت میکنیم، بلکه خود نقش فعال و سازنده به عهده میگیریم. در تجربه گذشته چهل ساله جنبش حزبی مان، علاوه بر پیشبرد عملی

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

### با هیئت اجرائی حزب ...

و مستمر تلاش برای سازماندهی مجامع عمومی و دامن زدن به جنبش مجمع عمومی، موارد متعدد در ایجاد صندوقهای مالی کارگری، تعاونیهای کارگری، کانونها و اتحادیه های بیکاران و صنعتگران و غیره نقش داشته ایم. معیار ما تلاش برای ایجاد اتحاد و همبستگی کارگری و به قول معروف "خشت روی خشت گذاشتن کارگران" در نبرد با سرمایه داران و دولت حامی شان بوده است. در عین حال بی اما و اگر و به طور مداوم ما خط مشی محوری دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی را تعقیب کردیم.

فکر میکنم آنچه بیشتر مورد بحث در این دوره است، ما مدافعان جنبش مجمع عمومی و شورایی چه سیاستی در برخورد به جنبش سندیکایی و سندیکا داریم. در این رابطه اخیراً در سمیناری چکیده سیاست مان را به این شکل بیان کردم.

"در سابقه جنبش کارگری جهانی و خود جنبش کارگری ایران، جنبش شورایی و جنبش سندیکایی دو سنت و سیاست و الگوی سازمانی متفاوتند. هر کدام به گرایش و افق و سیاست متمایز از هم در درون جنبش کارگری متعلق اند، مجمع عمومی و شورا متعلق به گرایش رادیکال و سوسیالیستی طبقه کارگر و سندیکا و جنبش سندیکایی به گرایش رفرمیستی درون طبقه کارگر متکی اند. جنبش شورایی، جنبش سندیکایی، دو جنبش متفاوت و متمایزند. دو ترند، دو نوع سیاست، دو نوع گرایش و دو نوع الگوی سازمانی دارند. این واقعیت را باید دید. در عین حال اگر کسی فکر کند سندیکا و سندیکا سازی همین الان در ایران درست مثل سندیکالیسم در کشورهای اروپایی است، اشتباه میکند. اولاً من فکر میکنم در ایران سندیکالیسم با سابقه و پخته ای نداریم. استبداد نگذاشته است. کاش در چهل سال گذشته حداقل جنبش سندیکایی پر قدرت میداشتیم، کار کمونیستها و آزادیخواهان هم آسانتر میبود و شرایط کار ما طرفداران مجمع عمومی و شورایی هم مساعدتر میشد. ثانیاً سندیکالیسم در ایران آینده جدی هم ندارد. تازه جنبش سندیکایی هم شکل بگیرد علیرغم تفاوت و تمایزات با جنبش شورایی تا به شکل اتحادیه های زرد کنونی در اروپا و ... دربیاید، فاصله دارد. چون این جامعه در تب و تاب مبارزات انقلابی بسر میبرد، بر سندیکاها هم تأثیر میگذارد و مجبورند کارکرد مثبت از خودشان نشان دهند. اینکه در آینده چه میشوند را باید گذاشت برای همان آینده. به علاوه بین سندیکا درست کردن و سندیکالیسم فرق هست. من هر سندیکایی را فوراً به سندیکالیسم سنجاق نمیکنم. هر سندیکای مشخص را با عملکرد مشخص آن باید قضاوت کرد. عملکرد سندیکایی میتواند مورد حمایت باشد و عملکرد سندیکای دیگر مورد حمایت نباشد."

اما اینجا اجازه میخوام توجه علاقمندان به فشرده سیاست کمونیسم کارگری که در سندی در آبانماه سال ۶۶ در برخورد به سندیکا و اتحادیه ها به قلم دمنصور حکمت تدوین شده و کماکان مبنای سیاست ما در این رابطه است، جلب کنم.

### "در باره اتحادیه

نظر به عوامل متعدد نظیر محدودیتهای تاریخی و عملی اتحادیهها در ایجاد اتحاد وسیع طبقاتی و رهبری مبارزه کارگری، پیوند تاریخی جنبش اتحادیههای با سیاست سوسیال دموکراتیک، گرایش اتحادیهها به دور شدن از دموکراسی مستقیم و شکلگیری یک بوروکراسی مافوق کارگران در آنها و بالاخره با توجه به فقدان زمینههای مادی برای تشکیل آنها در شرایط کنونی در ایران، حزب ما سیاست تشکیل اتحادیهها را در مرکز ثقل مبارزه خود برای ایجاد تشکلهای توده ای قرار نمیدهد. سیاست عمومی حزب ایجاد شوراهای کارگری است. در عین حال اعلام میکنیم که:

۱- آزادی بی قید و شرط تشکیل اتحادیههای کارگری، جزئی از حق مسلم کارگران برای ایجاد هر نوع تشکل صنفی و سیاسی است و ما قاطعانه از این حق دفاع میکنیم.

۲- از تلاشهای کارگران برای ایجاد سندیکا حمایت میکنیم و به آن یاری میرسانیم.

۳- در اتحادیههای کارگری مستقل شرکت میکنیم، برای تقویت رهبری کارگران کمونیست در آنها میکوشیم و در درون هر اتحادیه خط کمونیستی را متحد میکنیم.

۴- برای نزدیک کردن هرچه بیشتر اتحادیهها به یک شکل ساختمانی غیر بوروکراتیک و بویژه برای متکی شدن آنها در سطح محلی به مجامع عمومی کارگران تلاش میکنیم.

۵- به درجهای که سیاست ما برای ایجاد شوراهای کارگری و بسط جنبش مجمع عمومی بعنوان نخستین گام آن با تلاشهای محافل کارگری و جریانهای مبارز طرفدار اتحادیه همسویی داشته باشد (نظیر ایجاد مجامع عمومی که مورد تأیید برخی هواداران تشکیل اتحادیهها قرار دارد)، آماده اتحاد عمل با این محافل و جریانها هستیم.

( به نقل قطعنامه مجمع عمومی، شورا، سندیکا، مصوب پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - آبانماه ۱۳۶۶ )

**کمونیسیت هفتگی:** در ایران بدلیل اختناق احزاب سیاسی و ایجاد سازمانهای کارگری ممنوع اند و سرکوب میشوند. این مانع را چگونه باید شکست؟ کارگران از چه طریقی میتوانند تشکل شان را به حکومت و سرمایه داران تحمیل کنند؟

**سعید یگانه:** در ایران به دلیل اختناق و سرکوب، احزاب سیاسی امکان فعالیت علنی ندارند و ایجاد سازمانهای کارگری ممنوع است، اما در دل همین اختناق بخصوص در سالهای اخیر شاهد گسترش اعتراض و نارضایتی و رشد مبارزات کارگری و پیشروی محسوسی بوده ایم و احزاب سیاسی نیز کم و بیش در این دستاوردها نقش داشته اند. روشن است که یکی از مؤلفه های اصلی امروز جامعه ایران، اختناق و سرکوبگری رژیم اسلامی است و بدون آن بقای رژیم با توجه به سطح بالایی از اعتراض و نارضایتی و نفرت عمومی قابل دوام نیست. اما در دل همین اختناق اعتراض و مبارزه کارگری ادامه داشته و رهبران و فعالین این عرصه هزینه سنگینی برای شکستن سد اختناق و تحمیل خود به رژیم و سرمایه داران و تضمین پیشرویهای تاکتونی پرداخته اند. کارگران فقط با گسترش اعتراض و اعتصاب و پیوند این اعتراضات در سطح سراسری و حمایت و پشتیبانی از همدیگر میتوانند سد اختناق را بیشتر بشکنند، تناسب قوا را به نفع خود و سایر جنبشهای اجتماعی تغییر بدهند و پیشرویهای آینده را تضمین بکنند. در تناسب قوای کنونی، تجربه این دوره از مبارزات کارگری به



بزنیم، در ایران و کشورهای اختناق زده، تفاوت زیادی با کشورهای دارد که حق تشکل و ایجاد سازمان کارگری با هر روایتی پذیرفته شده است. ایران صحنه شگفتی هاست. زیر حجاب سنگین اختناق واقعیات و تمایلات اجتماعی مدفون شدند. برای بسیاری از ناظران رویدادهای ایران همواره با تعجب روبرو شده است. من تردید ندارم که با ترک برداشتن دیوار اختناق و ناتوانی رژیم از سرکوب کارگران و مردم زحمتکش، شوراها همه جا از کارخانجات و مراکز کار تا مراکز خدماتی و محلات سر بلند می کنند. همین امروز اقبالی که به مجمع عمومی هست، نقشه راه ایجاد یک جنبش شورائی قدرتمند را ترسیم میکند. قدمهایی که باید برداشته شود در کلیات اینها هستند، در عمل و بطور مشخص و با تغییر در تناسب قوا، ممکن است سرعت یا کندی به این و آن بخش وارد و تحمیل شود؛ اول، مجمع عمومی را باید ساده و در عین حال روشن و ملموس تعریف و توضیح داد. دوم، تشکیل مجمع عمومی را قبل و حین و بعد از هر اعتراض کارگری، در مذاکرات و اعتصاب و تجمع تقویت و با برنامه کرد. سوم، بطور واقعی کارگران را در مجمع عمومی شان دخیل کرد تا تصمیم بگیرند و دستجمعی مسئولیت آنرا بپذیرند. مجمع عمومی دانشگاه اتحاد کارگری و مبارزه و رهبری بشیوه شورائی است. چهارم، رهبران و فعالین مجمع عمومی حیاتی است که "صنفا" و "رشته ای" و "محلی" فکر نکنند و افق شان را اتحاد هرچه وسیعتر کارگران بگذارند. برای اینکار باید شبکه های آنها در تماس دائم باشند، تجارب را منتقل کنند، چهارچوبهای وسیعتر مبارزاتی و فراکارخانه ای را بررسی کنند، مجمع نمایندگان خود را داشته باشند و کل تجربه حرکت شورائی را درونی و گسترش دهند. پنجم، اولین گام برنامه ریزی اینست که همین مجمع عمومی کارخانه ها آگاهانه منظم و ضرورتا به دوره اعتصاب محدود نشود. منظم کردن مجمع عمومی در واقع طرح ایجاد و تثبیت و تحکیم شورای فابریک یا شورای پایه است. ششم، فراتر رفتن از تشکل فابریک و رفتن به سمت اتحادهای فراکارخانه ای و منطقه ای و سراسری، بدون وجود شوراها پایه آب در هاون کوبیدن است که تنها تشکل سراسری کارگران را عقب می اندازد. تشکیل شورای پایه لازمه و فرض اول وجود یک جنبش شورائی کارگری است.

ما هنوز اشکال دیگری از تشکل و اتحاد را باید در متن همین منظم کردن مجمع عمومی بررسی کنیم. شوراها برخلاف سندیکاها خود را نه بصورت رشته ای بلکه بصورت منطقه ای بسط میدهند و این یک نقطه قوت دیگر شوراهاست. اما تشکیل مجمع عمومی در شرکتهای مختلف مثلا در پتروشیمی ها، بنا به ضروریات مبارزه کارگران میتواند از هر تک شرکت فراتر رود و به مجمع عمومی نمایندگان پتروشیمی ها برای طرح خواستهای مشترک و سازماندهی عمل مشترک آگاهانه مورد استفاده قرار گیرد. شورای کارگران پتروشیمی در هر شهر و منطقه ای هیچ مانعی ندارد که با شوراها دیگر صنایع و بخشها متصل شود و شورای بالاتری در سطح شهر و منطقه بوجود بیاورد. اما اشتباه است که این روند یا هر نقشه مشابهی را یک سیر خطی و نقطه به نقطه تعریف کنیم. هر تغییر جدی در وضعیت سیاسی میتواند امکاناتی بیار بیاورد یا امکاناتی را محدود کند. ممکن است در وضعیتی چندین کارخانه مهم یک شهر و فعالین آن با تصویب مجمع عمومی کارگران، دست به تشکیل شورای بالاتر کارگران در یک شهر بزنند. در دوره تحول و التهاب سیاسی باید دقیقا دید چه اقداماتی میتوان کرد، اما اگر در باره سیر تشکل کارگری و گسترش فراکارخانه ای آن حرف میزنیم، شورای پایه یا تشکل کارگری پایه و

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

### با هیئت اجرایی حزب ...

خوبی نشان داد که کارگران در مبارزه برای بهبود زندگی و تحمیل مطالبات خود به دولت و سرمایه داران، فقط از طریق مجمع عمومی و سنت شورایی و خرد جمعی کارگران در واحدهای تولیدی است که می توانند تشکلشان را به دولت و سرمایه داران تحمیل کنند و راه مبارزه را هموار کنند. بدون مخالفت با هر نوع تشکل یابی مستقل کارگری، اعم از سندیکا یا اتحادیه و غیره، گسترش مجمع عمومی و کار شورایی در واحدهای تولیدی به عنوان تشکل کارگری در دل اختناق و تناسب قوای کنونی موثرترین ابزار و ضامن پیشروی مبارزات کارگری در این دوره است.

**گمونیست هفتگی:** تفاوت مجمع عمومی و شورا و رابطه ایندو چیست؟ چه وقت میتوانیم از شوراها و یک جنبش شورائی کارگری حرف بزنیم و برای رسیدن به آن چه باید کرد؟

**سیاوش دانشور:** مجمع عمومی و شورا، در شرایطی که ایجاد سازمانهای کارگری با سد ممنوعیت اختناق روبرو میشود، سطوح مختلف تشکل طبقه کارگرند. مجمع عمومی تشکل حی و حاضر برای سازماندهی اعتراض و اعتصاب، سازمان حین اعتصاب و ارگان چگونگی پیشبرد تجمع و اعتصاب است. اما در چهارچوب یک سنت مبارزاتی واحد یعنی سنت مبارزاتی عمل مستقیم کارگری و شورائی اند. روح حاکم بر مجمع عمومی و شورا تصمیم گیری جمعی برسر خواست و منافع جمعی است. گفتم مجمع عمومی و شورا سطوح مختلف تشکل کارگری در شرایط امروزند. بالاتر اشاره کردم شورای کارخانه یا مرکز تولیدی و خدماتی، شورای معلمان و کارکنان یک مدرسه یا مرکز آموزشی، چیزی جز تشکیل مجمع عمومی کارگران یا کارکنان این و آن محل کار نیست. در واقع منظم کردن مجمع عمومی، فراتر رفتن از برگزاری موردی مجمع عمومی، متکی شدن به این مکانیزم بطور فعال تر و رویتن تری است که در سیر خود ساختار دقیق تری بخود میگیرد. رابط مجمع عمومی و شورا رابطه ای برای تشخیص سنت عمل مستقیم کارگری است؛ شورا بدون مجمع عمومی و بدون اختیارات مجمع عمومی شورا نیست، بالماسکه ای است که نام "شورا" بر آن نهاده شده است. "شورائی" که به مجمع عمومی متکی نباشد و منظم در مجمع عمومی خود را اثبات نکند، تناقض درخود است. در عین حال، مجمع عمومی موردی در سطح همان مورد خیلی خوبست، متکی شدن به حرکت و سنتی شورائی است، اما هنوز نمیتوان نام آنرا شورا گذاشت. مجمع عمومی باید از میان لایه رهبران عملی کارگران فعالینی پرشور پیدا کند که توده کارگران را به صحنه می آورد، کارگران را با سنت و سبک کار و تصمیم گیری و اجرا و عزل و نصب و غیره عادت دهد، مجمع عمومی را مرجع هر کار و مشکل کارگران کند، به این اعتبار تداوم و نظم به مجمع عمومی بدهد تا بتوان آنرا شورای پایه نامید. شورا و مجمع عمومی اجزای انتگره و تفکیک ناپذیر یک سنت واحد رادیکال کارگری است.

در مورد اینکه چه زمان میتوانیم از شوراها و جنبش شورائی حرف

و مبارزه ای که در دستور است به قطب نمای حرکت مبارزاتی کارگران تبدیل شود. براین اساس ما در این دوره بر شعارهای "آزادی، برابری، رفاه همگانی! - معیشت و درمان! - رفاه و امنیت شغلی! - زنده باد مجمع عمومی! - زنده باد جنبش مجمع عمومی! - زنده باد شوراها و اداره شورائی! - زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" تاکید اساسی داریم. در هر اعتصاب و اعتراض معین جاری هم برای جا انداختن شعارهای درست و موثری که دردل اعتصابات و اعتراضات کارگری مطرح میشود، تلاش جدی میکنیم. همانطور که در جریان اعتصاب کارگران هفت تپه بر خلاف خیلی ها بی اما و اگر از شعار "خلع ید" مطرح شده توسط کارگران هفت تپه حمایت کردیم

**کمونیسست هفتگی:** یک الگوی کار و سنت شورائی را کارگران هفت تپه بدست دادند. الگوهای مدنی و قانونگرایانه هم داریم. مضافاً اینکه در سیاست ایران سنت شورائی بیش از هر زمانی شناخته شده است. چگونه باید تجربه هفت تپه را تعمیم داد و بکار بست؟

**سعید یگانه:** جنبش کارگری مثل هر جنبش اجتماعی دیگر دارای گرایشهای فکری مختلف است و با الگوهای مختلفی عمل میکنند، اما در مقابل دولت و سرمایه داران منافع مشترکی دارند. جمهوری اسلامی برای بقا و حفظ منافع سرمایه داران، هیچ نوع مخالفتی را تحمل نمیکند، در نتیجه الگوهای مدنی و قانونگرایانه نیز راه به جایی نمیبرد و ناکارآمدی خود را به اثبات رسانده است و هرچه زمان می گذرد این شکل از مبارزه در مواجهه با سد سرکوب و اختناق، رادیکالتر و فعالین این عرصه به اشکال موثرتر و رادیکالتری از مبارزه روی می آورند. در سطح مبارزه سیاسی نیز بطور عموم این شکل از مبارزه در شرایط کنونی ناکارآمدی خود را از دست داده است و از آن عبور شده است، همچنانکه جامعه از اصلاح طلبی عبور کرده است. جامعه دارد به این سمت می رود که باید سخت و محکم به مقابله با ترندهای رژیم و سرمایه داران در بیفتند و راه مبارزه و پیشروی خود را هموار کنند.

سنت شورایی سابقه طولانی در جنبش کارگری ایران دارد و در دوره انقلاب ۵۷ و بعد از آن جنبش شورایی به سنتی جا افتاده در جنبش کارگری تبدیل شد که با گسترش سرکوب و اختناق در دهه شصت این جنبش نیز سرکوب و به حاشیه رانده شد. در این دوره اما به دلیل اوضاع متحول سیاسی در ایران و به یمن رشد مبارزات کارگری و حضور فعالین پیشرو کارگری، جنبش شورایی دوباره به متن جنبش کارگری برگشت و امروز جنبش مجامع عمومی به یکی از ترندهای مهم این جنبش تبدیل شده است. به عبارت دیگر جنبش مجامع عمومی و شورایی بطور برجسته تری در مبارزات کارگری هفت تپه، مدلی را بدست داد، پای آن را بر زمین سفت گذاشت، به دولت و کارفرما تحمیل کرد و متعاقب آن شاهد تشکیل مجامع عمومی و تقویت سنت شورائی بطور مثال، در اعتراضات کارگران پیمانکاری نفت و پتروشیمی، تحت تاثیر مبارزات هفت تپه بودیم و به الگویی در آنجا نیز تبدیل شدند.

روشن است که مبارزات کارگری در بخشهای مختلف، از تجارب مبارزاتی همدیگر تاثیر و درس میگیرند. مکانیزمهایی از جمله شبکه فعالین کارگری در بخشهای مختلف کارگری، یکی از ابزار این جابجایی و تاثیرگذاری است. هفت تپه از همه نظر،

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

### با هیئت اجرایی حزب ...

واقعی توده ای کارگران فرض شروع بحث باید باشد.

**کمونیسست هفتگی:** کارگران همواره با خواستهای روز و بلافصل وارد اعتراض می شوند. اهمیت شعار تاکتیکی در این اعتراضات چیست؟ کدام شعارها از نظر حزب اولویت دارند؟

**رحمان حسین زاده:** تلاش شبانه روزی کارگران برای بهبود شرایط کار و زندگی بخش لاینفک حیات اجتماعی و شغلی طبقه کارگراست، بدون تقلائی دایمی شرایط زیست و کار کارگران از وضعیتی که هست بدتر میبود. واقعیتی که به مبارزه اقتصادی کارگری معروف شده و از نظر ما کمونیسستهای کارگری به عنوان سنگ بنای خود آگاهی طبقاتی و ترسیم خطوط نبرد با بورژوازی، از اهمیت بالایی برخوردار است. به قول مانیفست کمونیسست مبارزه ای دایمی گاه نهمان و گاه آشکار که چپ خرده بورژوازی و بورژوازی بنا به دیدگاه و مصالحشان آن را کم اهمیت و یا در خود جنبش کارگری رفرمیسم آن را به مبارزه "صنفي" تقلیل داده است. این مبارزه همواره با خواسته ها و مطالبات کنکرت به میدان آمده است. تاریخا مبارزه برای کاهش ساعت کار و چهل ساعت کار و کمتر، افزایش دستمزد و مقابله با زندگی زیر خط فقر و اخراج و بیکار سازی و تحمیل حق تشکل و اعتصاب و آزادی زندانیان سیاسی و دهها شعار دیگر بنا به تناسب قوای مشخص، خواسته ها و مطالبات عاجل را نمایندگی کرده اند. اینها شعارهای تاکتیکی هر مبارزه هستند. بعضی از آنها عمومیت می یابند و بعضی ها در نبردهای معین و در دوره های معین برجسته میشوند. تعیین شعارهای تاکتیکی برای کارگران حاصل تحقیق و تفحص نیست، دلخواهی آنها را انتخاب نمیکند، به عنوان پاسخ درد و معضل گریبانگیرشان برای بهبود شرایط کار و زندگی، مبارزه خود را به شعارهای مشخص مجهز میکنند. شعارها نقش بسیج کننده و متحد کننده دارند. جهت گیری روشن اعتصاب و اعتراض معین را ترسیم میکنند، معیاری برای پیشروی و پیروزی و حتی عقب نشینی در مبارزه معین را به دست میدهند. به این لحاظ تعیین دقیق شعارهای تاکتیکی هر مبارزه بسیار مهم است. شعارهایی که با نیاز مبارزه در دستور کارگران و با تناسب قوا انطباق پیدا نکند، موضوعیت پیدا نمیکند و حاشیه ای میشود.

کمونیسست کارگری و حزب ما در طرح شعارهای تاکتیکی و یا تایید و تبلیغ و ترویج شعارهای تاکتیکی که در جنبش کارگری مطرح شده اند، با وسواسی به مؤلفه هایی که در اتخاذ شعارها باید در نظر گرفته شوند، به شدت پایبند است. ما در تعیین شعارها آرزوهای خود را جای واقعیت نمیگذاریم، و به علاوه و شاید مهمتر به شرایط و قوانین و قابلهای تنگی که بورژوازی حاکم بر مبارزات کارگری تحمیل میکند، خود را محدود نمیکنیم. مضافاً در تمایز با گرایشهای امکانگرا و محدودنگر و یا جریانهای رفرمیست، به دنباله رو وضع موجود تبدیل نمیشویم. تلاش دایمی ما در این جهت است، همگام و متحد با گرایش رادیکال و کمونیسستی طبقه کارگر شعارهای موثر، پیشبرنده و پاسخگوی اعتصاب

ما می‌گوئیم در مقابل صف سیاستمداران بورژوا و کل اردوئی که تداوم سرمایه داری را به زبانهای مختلف می‌خواهد، کارگران باید راه حل مستقل و متمایز خود را قرار دهند؛ حکومت کارگری.

امروز هر فعال حزب حکمتیست و هر کمونیست و سوسیالیست باید نقش ویژه و تعیین کننده دوره تحولات مهم سیاسی را بمثابه کمونیست ایفا کند. از چه باید کرد لیستی طولانی میتوان برشمرد، اما مواردی که اولویت دارند را به اختصار می‌گویم؛ اول، همفکر و کمونیست بسازید. رفقای کارگرتان را به حزب و به برنامه عمل کمونیستی و کار مشترک برای انقلاب کارگری جلب کنید. دوم، در اعتراضات علیه جمهوری اسلامی با ابتکار و سازمانگرانه شرکت کنید، از کارگران و از آزادی و برابری و سرنگونی انقلابی و همه جانبه جمهوری اسلامی دفاع کنید. سوم، از راه حل اجتماعی طبقه کارگر و برنامه سوسیالیستی برای آزادی جامعه دفاع کنید و سیاستها و شعارهای ارتجاعی و ضد کارگری را نقد و منزوی کنید. چهارم، امکانات ایجاد کنید، امکانات دفاع از خود و ضروریات مبارزه انقلابی. پنجم، رهبری کنید، هر جا و به هر میزان مقدور از کارگر و سوسیالیسم و عقلانی بودن این راه حل دفاع کنید و نقد سوسیالیستی را به زبانی ساده و سیاسی به پرچم مبارزه در هر قلمرو بدل کنید. ششم، از تحركات ضد مذهبی و ضد اسلامی و تمایلات پیشرو و آوانگارد و مدرن در تقابل با سنتهای عتیق و روشهای ضد انسانی دفاع و مورد حمایت قرار دهید. هفتم، هنرمندان رادیکال و سوسیالیست نسل جوان لازم است در ایندوره زبان حرکت و عمل رادیکال در قالب هنری بشوند. هنر شرق زده و مذهب زده و حکومتی و سلبریتی های ایرانی، تنها ظاهرشان و زبانشان فرق نمیکند، بیگانه با جامعه و درد اکثریت عظیمی اند. این تعهد شماسست که کاری کنید کارستان.

و بالاخره، بیشتر اعضا و فعالین ما از زمره کارگرانند. حرف ما اینست که شما باید فعالین پرشور و مسئول جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر باشید، فعال سازماندهی کارگری و ایجاد تشکل و محمل اتحاد در سطوح مختلف باشید. فعال جنبش شورائی و مدافع روشن آزادی و برابری و رفع تبعیض باشید. قطبی باشید که مارکسیست ها و کمونیست ها و رادیکال های جامعه به سمت شما بیایند. باید محبوب و مورد احترام و وثوق جامعه باشید و خود را برای ایفای نقش در مقیاس بزرگ آماده کنید. ما داریم در باره یک جامعه هشتاد و چند میلیونی صحبت میکنیم، جنبش سوسیالیستی و کمونیستی طبقه کارگر نیازمند هزاران رهبر و کادر و فعال در سطوح مختلف است. حزب و فعالین حزبی ضروری است با وسعت دید و عمل متناسب با این نیازها کار کنند و آماده شوند.

**رحمان حسین زاده:** در بخش پایانی پاسخ به سؤال اولتان اشاره کردم، آن مسئله گرهی که در حال حاضر هر رهبر رادیکال کارگری و مشخصا فعالین گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر در مقابل خود دارند، این واقعیت است که چگونه رهبری سراسری تر و فراتر از تک رشته ها و مراکز کارگری در جنبش کارگری را تامین میکنند و همزمان چگونه در قامت رهبری رهبری کل جنبش اعتراضی علیه سرمایه و جمهوری اسلامی عمل میکنند. این باید مبنای چشم انداز و ترسیم نقشه راه این دوره جنبش کارگری باشد. اما تامین رهبری سراسری تر و جا افتاده در جنبش کارگری و در کل جنبش اعتراضی فقط با تبلیغ و ترویج و گفتن تامین نمیشود. بلکه

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

### با هیئت اجرایی حزب ...

الگویی از مبارزه و تشکل یابی شورایی به دست داد، ضمن اینکه شهرت جهانی پیدا کرد، به مرکز سیاست در ایران نیز نقل مکان کرد، در عین حال بر اعتراضات بخشهای دیگر کارگری تاثیر پذیر بوده است.

چگونه باید تجربه هفت تپه را تعمیم داد و به کار بست، شبکه فعالین کارگری و سوخت و ساز درون جنبش کارگری یکی از ابزارهای بسیار موثر انتقال این تجربه و تسری آن به بخشهای مختلف کارگری است. علاوه بر این، کارگران در این دوره از مبارزه و کشمکش علیه دولت و سرمایه داران شاهد نزدیک مبارزات چندین ساله کارگران هفت تپه، سخت کوشی و عبور از موانع متعدد و پیروزی آنان در این مبارزه یعنی لغو خصوصی سازی و تحمیل مجامع عمومی و نمایندگان خود به دولت و کارفرمای زالو صفت بودند. شاهد بودند که نمایندگان و رهبران این جنبش چگونه و با چه ابتکاراتی به اتکا به همبستگی و خرد جمعی کارگران موانع پیش پا را برداشته و این مبارزه را پیش بردند و کوتاه نیامدند. بکار بردن تجارب جنبش هفت تپه در سایر بخشهای کارگری بی تردید قدمهای جدی جنبش کارگری را به جلو سوق خواهد داد و همبستگی بیشتری در سطح سراسری ایجاد و تاثیر به سزایی در رهبری مشترک مبارزات سراسری خواهد گذاشت. برجسته کردن این تجارب، جمعبندی و تبلیغ حول آن، به مناسبتهای مختلف در مبارزات کارگری یکی از عوامل موثر در انتقال این تجارب نیز می باشد.

**کمونیسیت هفتگی:** در شرایط مشخص حاضر حزب به رهبران عملی کارگران و لایه کارگران پیشرو چه میگوید؟ چه باید کرد امروز هر فعال کمونیست و سوسیالیست چیست؟

**سیاوش دانشور:** در مورد مجمع عمومی و شورا و امر سازماندهی و رهبری بالاتر نکاتی گفته شد. اما اینها کافی نیستند، کارگر کمونیست و پیشرو در شرایط حاد کنونی که جامعه در آستانه انفجار مجدد است، میداند که این رژیم رفتنی است. کارگران پیشرو و لایه رهبران عملی کارگران باید به امر رهبری جامعه فکر کنند. بدترین سیاست برای ما این میتواند باشد که در کارخانه و محل کار خویش محصور و محدود شویم. در کارخانه هزار کار هست که باید انجام داد. اما وقتی قدرت در بالا ترک برمی‌داند یا در حال اضمحلال است، ما باید بعنوان آلترناتیو اجتماعی خلأ را پر کنیم یا یک پای جدی جدال برسر قدرت سیاسی باشیم. طبقه کارگر و جنبش شورائی اش در شرایط متحول، اگر می‌خواهد سرنوشتی غیر از انقلاب ۵۷ پیدا کند، باید قدرت را از دست بورژوازی بگیرد. حرف من اینست که کارگر باید مدعی قدرت سیاسی باشد و توقعش را از کار و فعالیت براین اساس تنظیم کند. کارگران باید در مقابل راه حل‌های طبقه حاکم که ادامه وضع موجود به طرق دیگر است، راه حل سیاسی و آلترناتیو اجتماعی خود را جلوی جامعه بگذارند. این یعنی شرکت طبقه کارگر در تحولات جاری و پیش رو در صف مستقل خویش با پرچم سوسیالیستی. شوراها امروز به جوانی از نیازهای مبارزه طبقاتی جواب میدهند و فردا باید ارگانهای اداره و کنترل و اعمال اراده توده ای باشند.

## در باره مسائل گرهی و تاکتیکی جنبش کارگری

### با هیئت اجرایی حزب ...

ملزومات سیاسی و پراتیکی بسیار مشخصی را میطلبد. اما مسئله اینست برخلاف تصور تقلیل گرایانه "کارگرپرستان محدود نگر" که کارگران را از شرکت در جدال برسر قدرت سیاسی برحذر میدارند و یا در نقطه مقابل نگرش بورژواهای اپوزیسیون که علاقمندند کل دستاوردها و تجارب چهاردهه جنبش کارگری را فقط در قالب "تحرك صنفی کارگران میهن شان" که گویا نه صلاحیت و نه علاقه به کسب قدرت سیاسی را دارند، دسته بندی کنند، به نظر من یکی از مهمترین دستاوردهای چهل ساله جنبش کارگری این حقیقت است، که جنبش کارگری بخش قابل توجهی از ملزومات تامین رهبری جامعه را طی کرده است. مطلقاً اتفاقی نیست که اساساً از درون جنبش کارگری کلیت حاکمیت جمهوری اسلامی زیر سؤال رفت و مهمتر از درون همان جنبش شعار رسای "اداره شورایی" همه گیر شد. فرصت نیست به حلقه های مهم دیگر طی شدن مسیر تامین ملزومات رهبری با اتوریته در جنبش کارگری و در جامعه اشاره کنم، به ویژه رفقای دیگر هم به جنبه های دیگر این موضوع اشاره دارند. با این وصف با چشمان باز هنوز باید محدودیتها را شناخت و قدم به قدم موانع را از سر راه برداشت. براین اساس در این شرایط حرکت آگاهانه کارگران در راستای تامین رهبری جا افتاده و سراسری در خود جنبش کارگری و در جنبش اعتراض توده ای در گرو ایجاد هماهنگی و همگامی و همبستگی بین رهبران و فعالین کارگری و فعالین جنبش اعتراضات اجتماعی رادیکال و جنبش توده ای است. درهم آمیختن و ایجاد اتحاد در بین دو جبهه نبرد اساسی یعنی همگامی جنبش اعتصاب کارگری با جنبش اعتراض توده ای حول خواسته های عاجل مشترک از جمله "آزادی، برابری و رفاه همگانی، معیشت و سلامت و اداره شورایی و مرگ بر جمهوری اسلامی و دیگر شعارهای تاکتیکی، موثرترین مسیر، عروج رهبری با اتوریته است. اما چنین رهبری محصول درجه مهمی از سازمانیابی توده ای و هم خود باید مبتکر گسترش سازمانیافتگی در جنبش کارگری و در جنبش توده ای باشد. از نظر ما مجامع عمومی آن بستر مهم و پایه مهم سازماندهی توده ای در مراکز کار و در سطح محلات و یا در میان جنبشهای اعتراضی رادیکال است. و نهایتاً کارگران آگاه و کمونیست متوجه اند، در جدالهای سیاسی جامعه، جنبش ها و طبقات اجتماعی از کانال احزابشان نمایندگی میشوند. طبقه کارگر هم از طریق حزب کمونیستی خود باید در همه لحظات جدالهای اجتماعی و طبقاتی و به ویژه در مقطع تعیین تکلیف قدرت سیاسی نمایندگی شود. کارگران کمونیست، رهبران رادیکال و پیشرو کارگری لازمست به روشنی مبرمیت اتکا به تشکلیابی حزبی و حزبیت کمونیستی طبقه کارگر را در میان صفوف کارگران اشاعه دهند. با گرایش تحزب گریزی و دور کردن کارگران از دخالتگری در تحولات سیاسی مبارزه کنند. درس مهم انقلاب ۵۷ و درسهای برگرفته از همه تحولات مهم چند دهه اخیر این واقعیت بدیهی را تاکید میکند، که جنبش طبقه کارگر بدون تحزب کمونیستی خود و حزب کمونیستی هم بدون درهم تنیدگی طبقاتی و اجتماعی با طبقه کارگر نمیتوانند آزادی و رهایی قطعی انسان را از استثمار و ستم ممکن سازند.

سعید یگانه: در سوال اول اشاره کردم که یکی از خصوصیت بر جسته

جنبش کارگری در این دوره از تحولات سیاسی، حضور پر رنگ طیف وسیعی از فعالین و رهبران پیشرو کارگری و تاثیر گذار در این مبارزات بوده است و جمهوری اسلامی با دستگیری و فشار بر این فعالین و پرونده سازی امنیتی تلاش کرده است که مانع فعالیت و تاثیرگذاری آنها بشود، اما به نظرم موفق نشده و حضور آنان در سوخت و ساز جنبش کارگری قابل رویت است. صحبت ما این است که جنبش کارگری، بدون یک لایه رهبری توانا و دلسوز که در هر قدم از مبارزه منافع عمومی کارگران را در مقابل دولت و سرمایه داران حفظ و مد نظر داشته باشد و از آن دفاع کند، هر چقدر هم این جنبش قدرتمند باشد، پیروزی بر دشمن آسان نخواهد بود. به این دلیل است که جمهوری اسلامی و دستگاههای امنیتی بر حرکت فعالین زوم کرده و به بهانه های مختلف آنها را دستگیر و زندانی می کند. تجربه هفت تپه باز در این زمینه درسهای مهمی برای جنبش کارگری به دست داده است. در اینجا لازم می بینم اشاره بکنم که کارگران باید در محیط فعالیت خود از رهبران لایق و دلسوز که برای هدایت مبارزه کارگران تلاش می کنند و هزینه تقبل می کنند، مانند چشم شان در مقابل تعرض دولت از آنان حمایت بکنند و حصارى از جانبداری حول حفظ جان این فعالین و رهبران ایجاد بکنند. و مهمتر از آن وجود یک حزب کمونیستی با نفوذ در نهایت برای هدایت سراسری اعتراضات و تعیین تکلیف نهایی با بورژوازی حاکم از نان شب واجبتر است. به این دلیل فعالین کمونیست و سوسیالیست با درک درست از این شرایط حساس، اگر مستقیماً فعال جنبش کارگری نیستند، باید تلاش بکنند خود را با سوخت و ساز جنبش طبقه کارگر معنی بکنند و از هر ابزاری برای وصل شدن به این جنبش و تقویت و تماس موثر با لایه پیشروان را امر مهم و دائمی فعالیت خود به شمار بیاورند و در تقویت آن بکوشند. جنبش کارگری و سوسیالیستی در درون این تحولات در لایه های مختلف جامعه با شعارها و سمت و سوی رادیکال حضور دارد و امروز بیشتر از هر زمانی امکان فعالیت و تاثیر گذاری در جنبشهای اجتماعی و بخصوص جنبش کارگری برای فعالین کمونیست و سوسیالیست مهیاتر است. حزب حکمتیست با باور به این داده ها در جهت تقویت و استحکام و پیشروی جنبش طبقه کارگر و حمایت از رهبران و فعالین می کوشد. کمونیستها در هر قدم از مبارزه منفعتی جدا از منفعت طبقه کارگر ندارد و خود را مقید به حفظ این پرنسبب کمونیستی می دانند.

\*\*\*



## مذاکرات برجام، بازیگر اصلی مردم ایرانند!

### گفتگوی تلویزیون پرتو با جمال کمانگر



منابع ارزی که نزد کشورهای مثل کره جنوبی و هند وغیره دارد دسترسی داشته باشد. تیمهای مذاکره کننده صحبت از توافق هشتاد درصدی میکنند اما به گفته سفیر سابق رژیم در لندن هشت مورد مهم بر سر آن توافق ندارند. این مذاکرات قرار است تا آخر ماه فوریه ادامه داشته باشد. به نظر من جمهوری اسلامی در

وضعیتی نیست خواسته های خود را تحمیل کند، هر چند ادعا میکنند وارد سازمان اقتصادی شانگهای شده اند و حدود یک میلیون بشکه نفت در روز میفروشند دیگر تحریمها زیاد تاثیری ندارند. مشکل رژیم فراتر از اینهاست. و مذاکرات ضربدر مسائل بین المللی شده است.

**پرتو:** چه مسائلی در این مذاکرات دخیل هستند. چرا خواسته های رژیم اسلامی مبنی برداشتن تحریمها و امتیازات دیگری که از آمریکا دارند داده نمیشود؟ و کلا فضای حاکم بر این مذاکرات از چه قرار است؟

**جمال کمانگر:** مسئله هسته ای بهانه ای برای وارد شدن به مسائل منطقه ای و جهانی است. این درست است که ظاهرا برسر برنامه هسته ای رژیم اسلامی مذاکره میکنند. و گویا قرار است که جلو دسترسی رژیم به تکنولوژی و توانایی ساخت سلاح هسته ای را بگیرند. به نظر من ممکن است رژیم به توانایی ساخت سلاح هسته ای هم برسد و شاید در مقطعی این کار را بکنند. بحث مذاکرات فراتر از مسئله هسته ای، مسائل خاورمیانه و موش دوانی رژیم در این منطقه رفته است. به نظر من شیرازه مذاکرات هم از دست رژیم درآمده است! مسئله هسته ای رژیم ضربدر مسائل منطقه ای و جهانی شده است. رقابت آمریکا و چین از یک طرف و رقابت روسیه و آمریکا برسر اکراین روی این مذاکرات سایه انداخته است. مسئله هسته ای به عنوان کارت بده و بستان هم دست رژیم و هم دست روسیه و چین از طرف دیگر و حتی برای آمریکاست. هر امتیازی آمریکا در این مذاکرات بدهد باید چین و روسیه در جای دیگری آنرا پس بدهند. یا هر عقب نشینی که روسیه و چین به رژیم اسلامی تحمیل کنند لابد تضمینهای از آمریکا و دول اروپایی برای خود خواهند گرفت. به نظر من این مذاکرات با این وصف ربط مستقیمی به مردم ایران ندارد. موضع چین و روسیه بر سر سانترفورهای پیشرفته رژیم برای غنی سازی اورانیوم با غلظت بالا برای تولید کلاهک هسته ای یکسان با هیئت های مذاکره کننده اروپایی و آمریکاست که "باید از بین بروند." حتی نماینده روسیه اولیانوف گفته بود باید این سانترفورها نابود شوند. و رژیم را برگرداندند به غنی سازی زیر چهار درصد. حتی پنج کشور دارای سلاح هسته ای آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین چند روز گذشته اطلاعیه مشترکی در مورد عدم استفاده از سلاح هسته ای صادر کردند. مسئله مذاکرات هسته ای "وین" خارج از نظر هیئت مذاکره کننده رژیم است که چهل- پنجاه نفر مفت خور را به وین برده اند که از جیب مردم ایران میچرند. در هیچ جایی دنیا چنین هیئتهایی وجود ندارد. یک لشکر را به عنوان مذاکره کننده

**پرتو:** بحثی که امروز برای گفتگو در نظر گرفته ایم، نگاهی به مذاکرات موسوم به برجام است و آیا نقش و تاثیری در بحران اقتصادی رژیم اسلامی دارد؟ از اینجا شروع کنیم آخرین نتایج مذاکرات دور هشتم به کجا کشیده است؟

**جمال کمانگر:** برای بینندگان تلویزیون پرتو و مردم ایران مذاکرات برجام و بحثهای حول آن به یک داده عمومی تبدیل شده است. همه در مورد آن حرف میزنند. از رسانه های جمهوری اسلامی تا رسانه غربی همه در این مورد بحث میکنند. تا کنون هشت دوره مذاکره انجام شده است که دو دوره آن از زمان ریاست جمهوری رئیسی با طرح خواسته های به اصطلاح "حداکثری" از سرگرفته شد. شرط ادامه مذاکره "برداشتن تحریمهای اقتصادی" و "پرداخت گرامت" از طرف آمریکا اعلام شد. در حال حاضر تحریمهای بین المللی به بهانه هسته ای علیه جمهوری اسلامی وجود ندارد. و همه این تحریمها از سال ۲۰۱۵ برداشته شده است. تنها تحریمهای یک جانبه آمریکا علیه رژیم اسلامی که بخشا به مسئله هسته ای ربط دارد و بخشا به رابطه رژیم با دولت آمریکا و مسائل منطقه ای دیگر مرتبط است. نتیجه هشت دوره مذاکرات که آخرین مورد آن روز دوشنبه سوم ژانویه همزمان با سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی توسط آمریکا به مدت یک ساعت در جریان بوده است! و طرفین بر ادامه مذاکره تاکید داشته اند. از میان اخباری که در رسانه های رژیم و طرف غربی منتشر شده است بنظر میرسد تا توافق نهایی راه طولانی در پیش دارند. اولیانوف نماینده روسیه در "وین" در آخرین اظهار نظر اعلام کرده است که مذاکرات در حال پیشرفت است و رژیم اسلامی از خواسته های اولیه ای که داشته است، عقب نشینی کرده است. هیئت مذاکره کننده رژیم از شروط اولیه مبنی بر "برداشتن کلیه تحریمهای اقتصادی آمریکا، پرداخت گرامت و تضمین اینکه دوباره آمریکا از برجام خارج نشود" دست کشیده اند. اگر رژیم بخواهد به نتیجه ای برسد باید به ۶ دوره قبلی مذاکره در دوره روحانی و ظریف برگردد. طرف اصلی مذاکره آمریکاست هرچند مستقیما در آن حضور ندارد. چهار به اضافه یک از برجام بیرون نیامده اند. سه کشور اروپایی انگلستان، فرانسه و آلمان به اضافه چین و روسیه کماکان بر توافق سال ۲۰۱۵ پایبند هستند! کل این مذاکرات برای جلب رضایت آمریکا به بازگشت به توافق برجام است. و تحریمهای که قبلا توسط روسای جمهوری آمریکا و کنگره و سنای آن کشور تصویب شده است به آسانی برداشته نخواهد شد. محافل نزدیک به حزب دمکرات آمریکا سه سناریو را برای این مذاکرات در نظر گرفته اند. توافق، توافق موقت و یا عدم توافق. در صورت توافق باید خواسته های آمریکا بطور کامل لحاظ شود، که به "برجام پلاس" معروف است و برجام دیگری با مفاد بیشتر که برنامه موشکی رژیم هم شامل آن بشود که کنترل ها و اعمال سخت گیرانه ای علیه جمهوری اسلامی را در بر خواهد داشت. یا توافق موقت یا اصلا توافقی صورت نخواهد گرفت. اما بیشترین بحثها بر سر توافق موقت است. به نظر من رژیم اسلامی هم تمایل به توافق موقت دارد که اجازه فروش محدود نفت داشته باشد و به

## مذاکرات برجام، بازیگر اصلی مردم ایرانند!

### گفتگوی تلویزیون پرتو با جمال کمانگر ...

فرستاده اند که بگویند ما جدی هستیم! دعوی ناتو و آمریکا بر سر اوکراین و اینکه ناتو تا چه حد به مرزهای روسیه باید نزدیک شود فشاری است که غرب بر روسیه می آورد که رژیم اسلامی به خواسته های آمریکا تن بدهد. برای چین هم مسئله تایوان و امتیازاتی که از آمریکا از قبل وادار کردن رژیم به عقب نشینی از خواسته های به اصطلاح حداکثری میگیرد و ادعای اینکه این جزیره جزء خاک چین است و غیره نقش دارند. در این مذاکرات فقط رژیم اسلامی در مقابل آمریکا نیست. کشورهای عربی، ترکیه و موجودیت اسرائیل غیر مستقیم موضوع مذاکره هستند. ظاهراً مذاکره با هیئت رژیم است اما اول باید نظر روسها و چینها در این مورد تامین و هماهنگی لازم برای زورآزمایی با سه کشور اروپایی و آمریکا بوجود بیاید. اینکه مذاکرات به نتیجه خواهد رسید بستگی دارد چقدر به همدیگر امتیاز بدهند. مسئله هسته ای فراتر از رابطه رژیم با آمریکا است. رژیم اعلام کرده فلسفه مذاکرات برای ما "لغو تحریمها و عادی سازی روابط تجاری" خطاب رژیم هیئت آمریکایی است وگرنه ۵ کشور دیگر در مذاکرات که رژیم اسلامی را تحریم نکرده اند. نه چین و نه روسیه و نه اتحادیه اروپا رژیم را تحریم نکرده اند! فقط دولت آمریکا است که رژیم را تحریم کرده است. برای آمریکاییها مادام که به بازار ایران دسترسی نداشته باشند "عادی سازی روابط تجاری" بی معنی است. رژیم به این مذاکرات و توافق بشدت نیاز دارد. وضعیت اقتصادی رژیم بحرانی و در آستانه انفجار اجتماعی و فروپاشی است. اما بغیر از پنج به اضافه یک، یک بازیگر دیگری نقش دارد که مردم ایران است.

**پرتو:** اگر توافقی صورت بگیرد آیا تغییری در وضعیت معیشت مردم صورت میگیرد؟ نقش این بازیگر اصلی که مردم ایران است در صحنه سیاست چگونه است؟

**جمال کمانگر:** گر هگاه اصلی رژیم اسلامی خود مردم ایران است. حتی برای دول غربی هم نقش مردم در تحولات مهم است. رابطه مردم ایران با جمهوری اسلامی در دوره ای که برجام در سال ۲۰۱۵ امضاء شد، قطبی بود. جمهوری اسلامی پول هنگفتی از قبل آن بدست آورد و توانست نفت بفروشد و هم تجارت داشته باشد. اما وضعیت اقتصادی مردم بهبود نیافت. آن زمان حزب ما شاید جزو معدود احزابی بود که اعلام کرد "صورت مسئله اصلی مردم سرنگونی رژیم اسلامی است." ما گفتیم با توافق برجام هم، مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند. ما گفتیم برجام ممکن است یک ترمز موقتی روی خواسته ای مردم گذاشته باشد. شکاف بین مردم و رژیم در دوره برجام هم عمیق بود. هفت سال بعد از توافق برجام این شکاف و نخواستن رژیم توسط مردم علی العموم به اوج خود رسیده است. اعتراضات وسیعی در این مدت هفت ساله در ایران اتفاق افتاده است. مشخصاً دیماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸. بعد از آن خیزشهای وسیع توده ای، ما شاهد صدها اعتراض و اعتصاب کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان بوده ایم. این اعتراضات طبقه کارگر علیه رژیم

اسلامی است که دستش را از ثروت و امکانات موجود کوتاه کرده است. جمهوری اسلامی تلاش میکرد با برجام و تبلیغات حول آن، در دوره روحانی آنرا به مردم بفروشد که همه چیز خوب میشود، اقتصاد خوب میشود. فراوانی و رفاه می آید. ما بارها گفته ایم تا زمانی که رژیم اسلامی سر کار باشد از رشد اقتصادی و رفاه و فراوانی نسبی خبری نیست و این در ناسیه اقتصاد ایران با حاکمیت رژیم اسلامی نوشته نشده است. بعد از اعتراضات دیماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ رابطه مردم و رژیم بشدت قطبی تر شده است. فاصله عمیقی بین رژیم و مردم علی العموم بوجود آمده است. هرچند یک بخش سرنگونی طلب با احزابش همیشه در میان مردم وجود داشته است. اما این نخواستن جمهوری اسلامی بسیار فراتر از ۲۰۱۵ و حتی اعتراضات دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ شده است. هر چند ماشین سرکوب رژیم لحظه ای از کار نیفتاده است و صدها نفر را در آبان ماه ۹۸ قتل عام کردند. نخواستن جمهوری اسلامی به وسعت جامعه ایران است. حتی اگر توافقی هم در "وین" صورت بگیرد. رابطه مردم با رژیم قابل ترمیم نیست. همین چند روز پیش یک خانمی عمامه یک آخوند را در انظار عمومی پایین میکشد و آنرا لگد مال میکند! این حرکت نمود کوچکی از نفرت عمیق جامعه ایران علیه رژیم اسلامی است. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند. تلاشهای زیادی در بین جنبشهای اجتماعی در جریان است. بستگی دارد از زاویه کدام جنبش و منفعت طبقاتی به آزادی و معیشت و رفاه و خوشبختی مردم نگاه کنید. بازیگران مختلف صحنه سیاست تلاش میکنند چگونه و از چه طریقی از این نفرت عمیق علیه جمهوری اسلامی به نفع جنبش خود استفاده کنند و مردم را دنبال آلترناتیو خود بکشانند. نفرت مردم حتی اگر به توافق موقت هم برسند و ۶۰ درصد نفت هم بفروشند و در یک حساب بانکی که قرار است برایشان باز کنند قابل ترمیم نیست. مثل سابق احتمالاً پول نقد هنگفت در اختیار رژیم نگذارند که قاسم سلیمانی تروریست چمدان های پر از دلار را در اختیار نیروهای مزدور و نیابتی رژیم در خاورمیانه بگذارد. بازیگر اصلی صحنه سیاست ایران که مردم هستند بیشتر از دوره های قبل به میدان می آیند.

**پرتو:** آیا در صورت توافق، رژیم اسلامی میتواند اقتصاد بحران زده اش را از این وضعیت بیرون بکشد؟ منظورم مسئله معیشت و حداقلهای زندگی است که مردم در حال حاضر برای تامین آن با مشکل روبرو هستند. آیا چنین انتظاری از رژیم اسلامی بیهوده است؟

**جمال کمانگر:** دو موضوع را از هم تفکیک کنیم. اولاً، جمهوری اسلامی سر کار است. توقع و انتظار مردم که رژیم باید زندگی آنها را تامین کند قابل درک است و هیچ وقت مردم نباید توقعشان را از رژیم پایین بیاورند. مردم باید با اردنگی از جمهوری اسلامی بخواهند که بهداشت و درمان و آموزش و خوراک مردم را تامین کند. بالاخره رژیم هرچه هست امکانات جامعه در اختیار اوست و به اندازه کافی امکانات برای بهبود وضعیت معیشت مردم وجود دارد. دوماً، در فاصله مذاکرات و سیاست انتظاری که رژیم در پیش گرفته که "با توافق اوضاع بهبود پیدا میکند"، آیا اوضاع اقتصادی ایران بهتر میشود؟ واضح است، نه! ما بارها گفته ایم که مشکل اقتصاد ایران خود رژیم اسلامی است. و این به یک داده عمومی تبدیل شده است. خود رژیم اسلامی بانی این وضعیت است. فقط تحریم ها

شکاف بین مردم و رژیم حاکم مثل ایران بوجود می آید اجازه شکوفایی اقتصادی نمیدهد. کرو کرو آدمهایی که در آن مملکت ممکن است بتوانند کاری بکنند در خروجی کشور را به آنها نشان میدهند و مهاجرت میکنند. در صدا و سیمای جمهوری اسلامی از دختر قاسم سلیمانی تروریست تا فلان آخوند و خبرنگار "پاشو برو از ایران" باب شده است. اقتصاد ایران با سرکار بودن رژیم اسلامی شکوفا نخواهد شد. حتی اگر مذاکرات هم به نتیجه ای برسد پولی که گیرشان بیاید برای حفظ پایه های سرکوب بکار خواهند برد. کماکان سفره مردم خالی تر خواهد شد. مسئله معیشت مردم بهبود پیدا نمیکند. ما هنوز در دل پاندمی کرونا هستیم. اگر دقت کرده باشید نه بانک جهانی و نه صندوق بین المللی پول تاکنون هیچ پیشبینی برای اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۲ نکرده اند که اقتصاد جهان به کدام سو می رود؟ در نتیجه از نظر من با توجه به این همه نفرتی که از قوانین اسلامی و رژیم هست سر راست ترین راه حل برداشتن جمهوری اسلامی از سر راه است. شرط اول اینکه اقتصاد ایران نرمال و رشد کند و جامعه از رفاه نسبی برخوردار شود این است که رژیم سرنگون شود. این صورت مسئله اصلی جامعه است. مانع اصلی رژیم اسلامی است. از نظر ما راه حل اقتصاد ایران یک راه حل سوسیالیستی است. و مردم ایران باید اینرا بدانند. جامعه سوسیالیستی جواب این وضعیت است. راه حلی که طبقه کارگر سرنوشت جامعه را بدست بگیرند. ما دنبال انقلاب کارگری هستیم. ما دنبال انقلاب کمونیستی هستیم.

\*\*\*

## مذاکرات برجام، بازیگر اصلی مردم ایرانند!

### گفتگوی تلویزیون پرتو با جمال کمانگر...

نیستند. بعضی ها میگویند: "جمهوری اسلامی نمیتواند خوب اداره کند". مسئله این است که با توجه به روبنای مختنق سیاسی و ایدئولوژیک رژیم نمیتواند به یک اقتصاد متعارف شبیه ترکیه تبدیل شود. نه اینکه نخواهند، بلکه مسئله عدم مشروعیت سیاسی رژیم نزد مردم است. سرمایه در سطح کلان برای سرمایه گذار خارجی امنیت ندارد. هیچ سرمایه دار اروپایی و حتی چینی سرمایه میلیاردری اش را در ایران نمیگذارد که نمیداند فردا چه اتفاقی می افتد. جمهوری اسلامی با بحران زاده شده و کماکان بحرانی به زندگی اش ادامه میدهد. به این معنی نیست که هیچ سرمایه گذاری در ایران نمیشود. درصد سرمایه گذاری در ترکیه یا امارات متحده عربی را میشود با ایران مقایسه کنید. توریستی که به ترکیه و امارات متحده عربی می رود با ایران مقایسه کنید. هرچند آب و هوای ایران چهار فصل است اما نظام سیاسی-ایدئولوژیک رژیم این اجازه را نمیدهد. هیچ سرمایه داری حاضر نیست در چنین نظامی پولش را سرمایه گذاری کند. می رود در فیلیپین و چین و ویتنام و بنگلادش سرمایه اش را میگذارد که هم امنیت دارد هم سود بیشتری عایدش میشود. از این زاویه جمهوری اسلامی نه توانش را دارد و این عدم مشروعیتی که نزد مردم دارد این امکان را بهش نمیدهد. زمانی که



ماهواره یاه ست  
فرکانس: ۱۲۵۹۴  
پولاریزاسیون: عمودی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰  
اف ای سی: ۳/۲

# اطلاعیه

## parlow TV

بینندگان عزیز

از اول اکتبر ۲۰۲۱، کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شور ای" تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست پخش خود را آغاز می کند.

از اول اکتبر، تلویزیون پرتو، رسانه تصویری حزب حکمتیست، برنامه های خود را از این کانال پخش می کند.

**ساعات پخش به وقت ایران**

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

**تکرار روز بعد در ساعتهای**

۳:۳۰ تا ۴:۳۰

۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰

۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰



**کنید برای اینکه از عذاب الهی و نغمه الهی خودتان را نجات دهید.**

سران حکومت اسلامی در حالی خطاب به ایرانیان خارج کشور اینچنین وعده‌های فریبکارانه می‌دهند که زندانهایشان مملو از ایرانیان دوتابعیتی

است که در سخت‌ترین شرایط در زندان بسر می‌برند، از جمله مهران رئوف، کامران قادری، مسعود مصاحب، باقر و سیامک نمازی، نازنین زاغری، ناهید تقوی، فریبا عادلخواه، احمدرضا جلالی که در ایام زندان از او تنها یک اسکت همچون زندانیان آلمان نازی باقی مانده بود. نیت جمهوری اسلامی از بازداشت و زندانی کردن این افراد که هرگز بنا به ماهیت قوه قضاییه ایران طی پروسه عادلانه محاکمه و تفهیم اتهام نشده‌اند، به عنوان گروگان با تروریست‌های وابسته به خود که در کشورهای مختلف به دام نیروهای امنیتی افتاده‌اند مبادله شوند. برای نمونه درآمد حاصله از آزادی نازنین زاغری قریب به ۵۰۰ میلیون پوند برای بازپس‌گیری هزینه خرید تانک‌های چیفتن خریداری شده از جانب رژیم شاه، خواهد بود.

رژیم اسلامی تلاش ریاکارانه‌ای بمنظور جلب سرمایه‌گذاری در ایران توسط ایرانیان خارج کشور آغاز کرده است که شامل تعداد قلیلی نسبت به جمعیت چهار میلیونی ایرانیان فراری از جهنم اسلامی می‌باشند. اگر در سالهای قبل توهمی به شهادت‌دوم خردادی وجود داشت و به وعده‌های پوچ و توخالی صاحب "دیالوگ تمدن‌ها" محمد خاتمی یا حسن روحانی و غیره باور می‌کردند اکنون نظر به اینکه رئیسی جلاد عضو هیئت مرگ در راس کابینه مرگ قرار گرفته نه تنها فعالین سیاسی بلکه به احتمال قوی در این اوضاع بهم ریخته اقتصادی رژیم اسلامی هیچ سرمایه‌دار که ذره‌ای فهم اقتصادی داشته باشد در ایران سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. بحران رژیم اسلامی بمراتب عمیق‌تر از آن است که با اینچنین تلاش‌های مذبح‌خانه و شتابزده‌منفورترین عوامل و مامورانش راه به جایی ببرد و تغییرات جزئی هم در آن صورت نمی‌گیرد. رژیم‌هایی که از سر تا بن تروریست و شکنجه‌گر و زندانیان و دزد و فاسد آنها احاطه کرده است و مقدراتش را رقم می‌زنند و برای بقای خود دست به هر جنایتی می‌زنند و مردم را به خاک سیاه نشانده‌اند، بحق مورد انزجار ده‌ها میلیون کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و زنان و جوانان آزادیخواه قرار گرفته است.

خطاب به ایرانیان خارج کشور باید بگویم که رژیم اسلامی همان جنایتکاران حرفه‌ای چهار دهه قبل هستند که در نتیجه اعتراضات روزمره اقشار ته‌دست جامعه پشیمان ریخته شده و در تلاش برای کسب اعتبار مشغول عوام‌فریبی هستند، و سامانه‌ای را که وزارت خارجه رژیم اسلامی راه انداخته است بخشا کاربرد جمع‌آوری اطلاعات شخصی از مراجعه‌کنندگان را خواهد داشت و به همین دلیل نباید چنین فرصتی را به رژیم اسلامی داد و تلاش ریاکارانه‌شان را به شکست بکشانیم. ما در خارج کشور بخش لایب‌جای جنبش برابری طلبی و عدالتخواهی مردم آزادیخواه ایران برای رسیدن به رفاه و سعادت هستیم. گام اول رسیدن به رفاه و آزادی در گرو سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. \*

## درخواست بازگشت ایرانیان خارج کشور

### تلاشی فریبکارانه و محکوم به شکست

سعید آرمان

وزارت خارجه رژیم اسلامی مدتیست در وبسایت خود (سامانه ویژه‌ای برای "تسهیلات" در بازگشت ایرانیان خارج کشور) ایجاد کرده است تا اهدافی را که دولت رئیسی از ابتدای روی کار آمدنش در جهت جلب سرمایه‌داران ایرانی خارج کشور بمنظور سرمایه‌گذاری در ایران و سامان دادن به اقتصاد کشور تحت نام "دیپلماسی اقتصادی" که در راس برنامه‌هایش گذاشته بود متحقق کند. از خود رئیسی تا اژدهای رییس قوه قضاییه، وزیر خارجه حسین امیرعبداللّه‌یان و سفیرانش تا کاظم غریب آبادی معاون امور بین الملل قوه قضاییه که مسخره‌ترین پست حکومتی دیگر او دبیر ستاد "حقوق بشر" قوه قضاییه را با خود یدک می‌کشد و چندی قبل اظهاراتش در رابطه با درخواستش از افرادی که ادعا می‌کنند در جمهوری اسلامی شکنجه شده‌اند با او تماس بگیرند، و در همین رابطه روز ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱ با هشتک "من شکنجه شده‌ام" پاسخ دندان شکنی را از ایرانیان داخل و خارج دریافت نمود و موجب تمسخر قرار گرفت، و همچنین رضا نوریان رایزن اقتصادی سفارت جمهوری اسلامی در لندن یکی دیگر از مسئولینی است که قرار است با کاردانی منحصر بفردش دل سرمایه‌داران ایرانی مقیم خارج بویژه بریتانیا را بجا بیارد و سرمایه‌هایشان را به سمت ایران سرازیر کند.

وزارت خارجه رژیم به جای اینکه کلیه ایرانیان مقیم خارج را بصورت ریاکارانه مورد خطاب قرار دهد، بهتر بود میگفت: تاجران ایرانی مقیم خارج به ما اطمینان کنید و سرمایه‌هایتان را به بانک‌های ایران سرازیر کنید تا در سیستم فاسدمان آنرا جابجا کنیم. این همه شیر و روبا کردن نمیخواد که ابراهیم رئیسی اینچنین به آن چنگ می‌اندازد و از ایران تعریف میکند: "ایران بهترین و امن‌ترین مکان برای سرمایه‌گذاری اقتصادی است و دولت این امنیت را تضمین میکند!". تردیدی در این نیست که خود رئیسی و سایر سران ریز و درشت این نظام پاشنه آشیل خودشان را خوب می‌شناسند و میدانند این نظام غرق در بحران هیچ سرمایه‌دار منفعت‌طلبی را ترغیب نمیکند تا سرمایه‌هایشان را به بانک‌های ایران انتقال و در گیر و دارهای پیش رو هستی‌اشان به یغما برود. اینان با کارنامه‌ای مملو از آدمکشی و گروگان‌گیری و آدم‌ربایی و ترور صدها مخالف در داخل و خارج و قتل‌های زنجیره‌ای و هزاران نوع جنایت و آدمکشی همه و همه به خاطر چنگ انداختن بر ثروت عظیمی که در کنترل دارند و استثمار نیروی کار وسیع در این جامعه است.

جمهوری اسلامی چنان تحت فشار و تنگنا و انزوای داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است که کاربدستان جنایتکارشان فراموش کرده‌اند که علی‌خامنه‌ای رهبرشان چند سال قبل چه دسته‌گلی به آب داده و چه افضاتی بدون پیشبینی این روزهای سیاه خطاب به ایرانیان مقیم خارج گفته است. با هم مروری بر اظهاراتش بکنیم: **شما بیایید داخل کشور و مجازاتی را که قانون برای شما میگذارد و عدالت میگذارد این مجازات را تحمل کنید مجازات بشید، یعنی بیایید اعدام را یا حبس را یا سایر مجازات‌ها را تحمل**



## مبارزات معلمان علیه سرکوب و تبعیض

احمد بابائی



هماهنگی که متشکل از نمایندگان معلمان در شهرها است که عمدتاً در مجامع عمومی معلمان انتخاب شدند، خود را قانونی و ثبت شده و صنفی میدانند. اینها در شرایط ایران کاملاً قابل درک است، از نظر ما اراده متشکل معلم برتر از هر قانونی است. نکته اینست که خود را "صنفی" خواندن، میتواند این خطر را داشته باشد که امکانی به دست گرایش

اصلاح طلبی درون تشکلات معلمان بدهد که همان سیاست‌های اصلاح طلبانه را دنبال کنند و در مقابل پیشروی جنبش معلمان مانع بگذارند. البته برخوردهای شورای هماهنگی و معلمان در اجتماعات اخیر جایی برای بازی این طیف نگذاشته است.

طی این مدت مشاهده کردیم کسانی مثل فرج کمیجانی که حضورش به عنوان شخصیت اصلاحات و وابسته به حکومت کاملاً محرز است و در نوشته‌ها و صحبت‌های خود طوری القا کرده که گویا تشکلات صنفی معلمان مبارزه صنفی میکنند، و ایشان و مجمع فرهنگیان به سیاست پردازند، شورای هماهنگی اگر مبارزه خیابانی ترتیب بدهد (آقای کمیجانی در آخرین مورد ظاهراً قبول کرده که در صورت اعتراض خیابانی ایشان و تشکل متبوع از این اعتراض حمایت میکند) ایشان بتوانند از اعتبار بدست آمده استفاده به رایزنی و مذاکره و چک و چانه زدن با دولت پردازند! این نوع صنفی و سیاسی کردن آشناست و خروجی آن همیشه موج سواری راست از مبارزه واقعی است.

جواب این تشبیهات را باید اجتماعاً داد و آن اینست که شورای هماهنگی و بویژه کانون‌های محلی معلمان، روش‌هایی را برگزینند که جانی برای این بازی‌ها نماند. نمایندگان معلمان را تنها معلمان برمی‌گزینند و وزارت و دولت و مجلس هم موظف به برسمیت شناسی این نمایندگان است. تحمیل نمایندگان خود یک گام مهم این مبارزه است. راه حل اینست که متکی شدن به خرد جمعی و مجمع عمومی را بعنوان یک شیوه باز و آزاد و برابر تماماً تثبیت کنیم و با تصمیمات این مجمع وارد شورای هماهنگی شویم. این چشم انداز اتحاد گسترده‌تر و هم‌زبانی وسیع‌تر و موفقیت را باز میکند. زنده باد جنبش حق طلبانه معلمان!

۵ ژانویه ۲۰۲۲



اعتصاب و اجتماعات پرشکوه معلمان در ۲۱ و ۲۲ آذر و ۲ دیماه، در قیاس با دوره‌های گذشته و به لحاظ سازمانیابی و شیوه اعتراض، اهمیت ویژه‌ای نسبت به اعتراضات تاکنونی معلمان داشته است. اولین نکته اینست که اعتراضات اخیر با حضور توده‌ای تر معلمین و دخالت بیشتری از معلمان، نشان از این داشت که ظرفیت اعتراضی بالاست و بخش‌های ساکت را هم کم‌کم به میدان میکشد. دوم، از زبان و نوع اعتراض معلمان قابل مشاهده است که از شیوه‌ها و سنت‌های رفرمیستی و حکومتی و فرمایشی بیش از پیش فاصله گرفتند و خواهان دخالتگری مستقیم در سرنوشت خود هستند. سوم، تشکل سراسری معلمان، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، مایل نیست که مبارزه معلمان اسیر شیوه‌های شکست خورده سابق باشد و از طریق گفتگو در دالانها اما با توجیه "مستمر" ادامه پیدا کند. چهارم، نسل جدیدی از فعالین و رهبران عملی در بین معلمان حضور یافتند که با رادیکال شدن جامعه خوانانی دارند و بویژه تحت تاثیر الگوهای مبارزاتی که در اعتراضات کارگری چند سال اخیر بخصوص در هفت تپه رایج بود، یعنی "خردجمعی" (مجمع عمومی) تمایل و نزدیکی بیشتری دارند و آنرا به عنوان شیوه‌ای مناسب برای اعتراض و اتحاد معلمان میدانند.

اعتراضات ۲۱، ۲۲ آذر و ۲ دیماه، با خواسته‌های "رتبه بندی شاغلان حداقل هشتاد درصد حقوق هیات علمی، همسانسازی بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت کشوری، آزادی معلمان دریند، آموزش رایگان و با کیفیت برای همه"، نمونه‌ای از اعتراض با شکوه معلمان بود که نشان از آغاز دوره جدید و تداوم راهی است که مصمم به پایان رساندن آن هستند. بی‌جهت نیست که تشکلات وابسته به دولت از "مجمع فرهنگیان تا سازمان معلمان"، از پورسلیمان تا فرج کمیجانی تا طیف ملونی از عناصر اصولگرا و اصلاح طلب، با برخورداری از حمایت جناح‌های حکومتی و با استفاده از نفوذ اندک در میان معلمان، با رایزنی و مذاکره سرخود و بدون توجه به شورای هماهنگی، برای به حاشیه بردن خواسته‌های واقعی معلمان در چهارچوب قانونگرایی و محدود کردن آن به دالانهای مذاکرات تاکنونی بی‌نتیجه، که در نهایت وادار کردن معلمان به اندک اصلاحات رژیم و عقب راندن مبارزه حق طلبانه معلمان خواهد بود، شتابزده همه نیروی خود را بکار گرفتند!

شورای هماهنگی معلمان و فعالین ضمن تقویت خود به عنوان سخنگو و مدافع خواسته‌های معلمان به خوبی آگاه هست که مطالبات کلیدی آنان یک خواست عمومی مردم هم هست و ظرفیت آنرا دارد تا با حمایت وسیع دانش آموزان و خانواده‌های آنان که بیشترشان از کارگران و اقشار کم درآمد جامعه هستند، روبرو شود و حکومت را زیر فشار بگذارد. لذا معلمان در کنار اعتراض به حکومت ناچارند در جدال با بخشی از دنباله‌روهای سیاست رژیم در بین معلمان باشند و بدرست سیاست ضد معلمی و ورشکسته آنها افشا و منزوی کنند. شورای

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**

## حزب "کمونیست کارگری":

### از تفاوت های ما تا "ما همه با هم هستیم"!

جاوید حکیمی

"تاکنون همیشه انسانها به ساختن عقاید نادرستی درباره خود، درباره آن چه که هستند و آن چه باید باشند، پرداخته اند. آنها روابط خود را مطابق با عقایدشان درباره خدا، درباره انسان عادی و غیره تنظیم کرده اند. بیایند علیه این حکومت مفاهیم طغیان کنیم". کارل مارکس

هنگامی که مارکس این سطور را می نوشت هرگز گمان نمی کرد روزی "مارکسیست ها" طغیان علیه مفاهیم را مستمسکی سازند برای مارکسیسم زدایی. برنشتین نخستین کسی بود که مفاهیم مارکسیستی را با واقعیات مادی گره زد تا از آن دفاع ناسیونالیستی از بورژوازی در بیابورد. امروزه هیچ رفرمیست چپی در جهان نیست که انقلابیون را به خاطر آنچه "ایدئولوژیک" و "پادروها بودن" می نامد تمسخر نکند. بطور کلی تاریخا چرخش به راست و لازمه چنین چرخشی همواره تسویه حساب با آرمان گرایی و مارکسیزم ستیزی بوده است. نفرت انگیزترین خروجی این روند نامیمون، تبدیل احزاب و سازمان های کمونیستی سابق به مماشاتگران با حکومت اسلامی و موثلف جنبش های دست راستی است. به راستی چقدر نفرت انگیز است شنیدن این خبر که فلان سازمان انقلابی ناگهان "واقع گرا" شده و به ملاقات پنهان و آشکار با مقامات حکومت اسلامی رفته است! همینقدر چندش آور است مقایسه مسیح علینژاد با لنین برای زدودن قیبح یک ملاقات مشکوک! چنین عقب گردهای غم انگیز و غیر قابل باوری از جانب یک جریان کمونیستی ممکن نمی شود مگر آن جریان مفاهیم پایه ای سیاست و برنامه کمونیستی را تحت عنوان ایدئولوژی به سخره بگیرد. چنین به نظر می رسد برای دفاع از مارکسیزم به مثابه علم رهایی طبقه کارگر زمان آن رسیده است تا فنر را در جهت عکس بفشاریم و بگویم؛ بیایند علیه این واقع گرایی و افسرگرا طغیان کنیم.

حمید تقوایی لیدر بی رقیب و غیر قابل نقد حزب کمونیست کارگری در ادامه "سیاست ایدئولوژی زدایی" و در دفاع از خیابان شاهکاری دیگر آفریده است. خیابان مال ماست حتی اگر طرفداران بازار آزاد و مدافعان تمامیت ارضی آن را قرق کرده باشند! توده ها مقدس اند حتی اگر برای جایگزینی آئنده با پینوشه به خیابان آمده باشند! تاریخ جنبش کمونیستی هرگز چنین پوپولیسم شلخته و پریشان فکری به خود ندیده است. ماجرا اما از این هم فجع تر است چرا که تقوایی مدافع خیابان و مردم هم نیست. اساسا پس از فروپاشی سرمایه داری دولتی و موسوم به "سوسیالیزم اردوگاهی" دیگر هیچ جنبش پوپولیستی نمی تواند متکی به توده ها باشد و منافع سازمانی و اجتماعی اش نیز چنین اقتضا نمی کند. خیابان و تحركات توده ها بهانه است. پوپولیسم فقط در بارگاه بورژوازی و در برابر مراجع قدرت کرنش می کند. حتی اگر نیت و قصد کرنش نداشته باشد، نیروی جلو انداختن و تطهیر راست میشود.

مارکس کمونیسم را هدف آرمانی بشریت آزادیخواه و برابری طلب می

داند لیکن توضیح میدهد که طبقات مختلف جامعه لاجرم سوسیالیسم های همگون با موقعیت و منافع خود را اشاعه می دهند؛ سوسیالیزم بورژوازی، خرده بورژوازی، فئودالی. منصور حکمت نیز با همین دیدگاه و متد، انواع کمونیزم غیر کارگری و غیر مارکسی را نقد می کند تا تفاوت کمونیزم کارگری را روشن نماید. هم از

اینروست که جزوه "تفاوت های ما" از بنیادین ترین آثار منصور حکمت و سنگ بنای دستگاه فکری کمونیزم کارگری است. حالا بشنوید تحلیل طبقاتی و باصطلاح بنیادین شعار "ما همه با هم هستیم" از زبان حمید تقوایی.

تقوایی طبقات اجتماعی در ایران و جهان را به دو دسته ما هستیم و آنها هستند تقسیم می کند. بدینسان مبارزه طبقاتی عبارت می شود از جدال بین ما که نود و نه درصدیم و آنها که یک درصدند. ظاهرا ما نود و نه درصدی ها به رغم گوناگونی موقعیت های اجتماعی جملگی خواهان آزادی و برابری و عدالت با تعریفی واحد و یکسان از این مقولات هستیم. به گفته تقوایی حتی بیبل گیتس هم متوجه شده چاره کار سوسیالیسم است و سوسیالیسم بیبل گیتس همان سوسیالیسم جوهریل است!- نخندید، بحث جدی است- بدینسان از تفاوت های ما که تمایز و ترسیم تفاوت های طبقاتی با کمونیزم های غیر کارگری است، رسیده ایم به وحدت اهداف و منافع با سکولاریست ها، سلطنت طلبان و فرسگردی ها!

تقوایی ادعا می کند کمونیست ها همواره نماینده تمام مردمی هستند که اعتراض می کنند و به این اعتبار شعار "ما همه با هم هستیم" را یک شعار استراتژیک می داند. او حسرت می خورد چرا حزب او مخترع آن نبوده است. شایان توجه است شعار "استراتژیک" خمینی- وحدت کلمه- و اکنون رضا پهلوی- امروز فقط اتحاد- و تاریخا همه احزاب بورژوازی همانا برای خاک پاشیدن به چشم توده ها و مخدوش کردن مرزهای طبقاتی همین بوده است.

"ما همه با هم هستیم" راجع به اهداف، آرمان، و ارمغان این "ما" هیچ چیز برای جامعه نمی گوید و درست به همین دلیل تمام بورژواها شیفته چنین شعارهایی بوده و هستند. حیرت انگیز اینجاست که این شعار گنگ و نامفهوم از نقطه نظر برنامه ای و سیاسی، حالا شعار استراتژیک یک جریان مدعی کمونیزم شده است. تمام کارایی این شعار در خیابان برای افزایش روحیه مردم در جنگ نابرابر با قوای سرکوبگر است و بس. هیچ چیز طبیعی تر از این نیست که مردم با دیدن قوای سرکوبگر در خیابان فریاد بزنند "نترسید نترسید ما همه با هم هستیم". یک جریان مدعی کمونیزم باید تا مغز و استخوان غرق در اوهام بورژوازی باشد که نترسید نترسید را تا سطح یک شعار استراتژیک ارتقا دهد. لابد اگر مردم برای ممانعت از پراکنده شدن صفوف خود خطاب به فراریان فریاد بزنند؛ برگردید برگردید ما همه اینجا نشستیم، حالا پیام کنگره حزب جدید تقوایی خطاب به مردم شده بود برگردید برگردید ما همه اینجا نشستیم!

## حزب "کمونیست کارگری":

### از تفاوت های ما تا "ما همه با هم هستیم"!

است و شما چپ ایدئولوژیک هستید و سیاست را نمی فهمید. می گوئیم مسیح علیزاد که این همه سنگ او را به سینه زدید عاقبت سر از کاخ سفید و ملاقات با پمپئو درآورد. جواب می دهد اگر لنین مجاز است از آلمان ها کمک بگیرد مسیح علیزاد هم حق دارد به ملاقات پمپئو برود! می گوئیم نسبت شما با ترامپ ضد زن، ضد پناهنده و ضد اتحادیه های کارگری چیست؟ جواب می دهد ترامپ با هر انگیزه ای امروز دشمن خامنه ای است. شما هم چپ ضد آمریکا هستید و در خدمت پوتین! آری در قاموس لیدر پوپولیست و ناسیونالیست ما، سرمایه داری بد است اما سرمایه داران خوب هستند چون سرنگونی طلبند. این است کوه نقد تقوایی از راست جامعه.

اما کسی احزاب را با آنچه در مورد خودشان میگویند ارزیابی نمیکند بلکه با عمل و سیاست واقعی آنها می سنجد. تابلوی حزب شما مثال آن جگرکی است که روی دکه اش آرم مک دونالد زده است. این سیاستهای شما یک ریال هم با کمونیسم کارگری خوانائی ندارد. تناقض اصلی فقط اسمتان است و اگر نام کمونیسم کارگری را بردارید تمایزی با رضا پهلوی و "اکتیویست های جنبش سرنگونی" ندارید. شما اول جایتان را در اردوی راستها پیدا کردید و تصمیم به رفتن به این کمپ گرفتید و بعد تئوری توجیه این تغییر مکان را دست و پا کرده اید. تمسخر چپ ایدئولوژیک و مارکسیزم سنیزی و کدهای مورد استفاده شما در بحث، اصالت و بنیادی ندارند بلکه ابزارهای توجیه این نقل و انتقال است. برای شما اتخاذ سیاستهای مغشوش پوپولیستی و توخالی و جنجالی ابدأ جدید نیست، آنچه جدید است مزمن شدن بیماری این پوپولیسم و شیرجه انتحاری رفتن بسمت کواکولای "همه با هم" است.

\*\*\*

**برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب**

**کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور**

**زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی**

**دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان**

**معرفی کنید. آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

**آموزش رایگان برای همگان!**

**آموزش یک حق است نه یک امتیاز!**

مایه بسی تاسف است که با درافزوده های تقوایی و شرکاء، کمونیزم کارگری از چنان اوج رشک برانگیزی اینچنین مورد سواستفاده برای اهداف نازل قرار گرفته است. حقیقت این است تقوایی مدافع توده ها نیست و مخاطب پیام کنگره تقوایی نیز مردم و به ویژه توده کارکن جامعه نیستند. "ما همه با هم هستیم" پیامی است رو به اپوزیسیون بورژوازی اعم از ملی- اسلامی تا جناح پروغرب و ترامپیست ها. پیام اصغر کریمی رییس هیئت اجرایی حزب خطاب به مسلمانان و پیروان مذاهب را نیز نه یک تیق ساده که در راستای سیاست "همه با هم" باید تبیین کرد. تقوایی در رد این اتهام می گوید ما کوهی از نقد در خصوص اپوزیسیون راست از سلطنت طلبان گرفته تا ترامپیستها داریم. اما او گزافه میگوید و جز کسانی که پیشاپیش برای قطعنامه های وی چک سفید داده اند، هیچکس حرفش را باور نمی کند.

این راست است که تقوایی در مقام یک مدعی و مبلغ حکومت شورایی، اشکال حکومت بورژوازی و سیستم سلطنت را در سخنرانی ها و عالم مجاز نقد کرده، لیکن در عین حال و علیرغم این، روی زمین واقعی تقوایی همچون یک وکیل مدافع مجرب و مخلص همواره خدمتگزار افراد و جریان های راست جامعه بوده است. او نه فقط کوهی از نقد در خصوص عملکرد مسیح علیزاد، رضا پهلوی و حتی ترامپ فاشیست ندارد بلکه همه جا تمام قد از آنان در مقابل نقد کمونیست ها دفاع کرده است. آتش زمانی از این هم شورتر و تهوع آورتر می شود که به یاد بیاوریم او چگونه کمونیست های انقلابی را به خاطر تهاجم وحشیانه پلیس دمکرات سوئد به تمسخر گرفت.

تقوایی هیچگاه اپوزیسیون اپوزیسیون بورژوازی نشده اما از پرتاب سخیف ترین انگ و اتهامات علیه اپوزیسیون کمونیست و چپ ابایی نداشته است. می گوئیم بیانیه استعفاطلبان هم تخیلی و توخالی است و هم دفاع آشکار از تمامیت ارضی، چرا شما از آن حمایت کردید؟ جواب می دهد حمایت از شخصیت های مخالف خامنه ای ضروری

**جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،**

**بدون امید سوسیالیسم، بدون «خطر**

**«سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل**

**میشود! نور حکمت**

**اعدام قتل عمد دولتی است!**



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

### خیزش در قزاقستان و سقوط دولت

مردم قزاقستان چند روز علیه گرانی بنزین، فقر و فساد، دست به اعتراض زدند و به مراکز دولتی حمله و آنها را تسخیر کردند. این اعتراضات به سقوط دولت منجر شد. در جریان اعتراضات کارگران نفت ملحق شدند. پیوستن کارگران صنعت نفت قزاقستان به اعتراضات علیه سیاست ریاضت اقتصادی و گرانی، قطعا نقطه امیدوار کننده‌ای است. اما سرکوب اعتراضات توسط ارتش و نیروهای پیمان امنیت منطقه‌ای از جمله روسیه آغاز شده است. اخبار از کشته شدن دهها نفر و زخمی شدن تعداد بیشتری و دستگیری‌های وسیع خبر میدهد. هنوز نتوانسته‌اند کنترل مجدد اوضاع را بدست گیرند. به امید اینکه کارگران صنعت نفت بتوانند با طرح آلترناتیو طبقاتی خودشان رهبری اعتراضات برحق مردم معترض را بدست گیرند و هدایت کنند.

### تداوم تجمعات اعتراضی کارگران پتروشیمی رجال

تا روز یکشنبه ۱۲ دی‌ماه کارگران پتروشیمی رجال برای هفتمین روز به منظور پیگیری مطالبات خود دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواستار پرداخت حق مزایای اقلیمی و بدی آب و هوا، طبق بخشنامه سازمان منطقه ویژه هستند و می‌گویند: تعطیل کاری‌ها و جمعه کاری‌ها از آبان‌ماه ۹۷ پرداخت شده ولی قبل از آن پرداخت نشده است. اصلاح قرارداد پرسنل و در اختیار قرار دادن یک نسخه از آن به کارگران از دیگر خواسته‌ها بوده و خواستار اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل هستند.

### تجمع اعتراضی کارگران معدن مس مزرعه اهر

اعتراض کارگران معدن مزرعه با حضور سرپرست حراست مجتمع مس سونگون، مدیرعامل شرکت معدن مزرعه و رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی اهر برگزار شد و بار دیگر کارگران این شرکت مطالبات خود را مطرح کردند. طی هماهنگی با مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی مقرر شد که تا روز دوشنبه هفته جاری مطالبات کارگران معدن مزرعه با حضور معاونت توسعه منابع انسانی شرکت ملی صنایع مس ایران، مدیر مجتمع سونگون، مدیرعامل شرکت مس مزرعه، رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی اهر و نماینده کارگران معدن مزرعه در اداره کل کار استان بررسی شود. کارگران معدن مزرعه با پادرمیانی رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی اهر به تجمع اعتراضی پایان داده و تأکید کردند که در صورت بی‌توجهی به درخواست‌ها، دوباره به اعتراض ادامه می‌دهند.

کارگران کارخانه کاشی تبریز دست به اعتصاب زدند

کارگران شیفت صبح کارخانه کاشی تبریز روز جمعه دهم دی‌ماه در اعتراض به سطح نازل دستمزدها دست به اعتصاب زدند و در محل رختکن تجمع کردند. بیشتر کارفرما وعده داده بود که پایه حقوق کارگران را افزایش دهد اما با توجه به خلف وعده کارفرما، این کارگران صبح در محل رختکن مانده و از رفتن به سر کار امتناع کردند. بعدازظهر همانروز جمعه ۱۰ دی‌ماه کارگران کارخانه کاشی تبریز پس از چند ساعت اعتصاب و تجمع در محیط رختکن پرسنل، با صحبت‌های حسن‌زاده مدیرعامل شرکت مبنی بر افزایش پایه حقوق کارگران و اجرای آن در دریافتی‌های همین ماه، به اعتصاب خود پایان دادند.

### اعتراض کارگران شرکت واحد

در تداوم اعتراضات به عدم اجرای بازنگاری طبقه‌بندی مشاغل و عدم پرداخت مطالبات معوق، رانندگان شرکت واحد شنبه ۱۸ دی با چراغ روشن و سرعت ۳۰ کیلومتر حرکت خواهند کرد و دیگر کارگران در توقفگاه‌ها در حمایت از رانندگان ساعت ده صبح مقابل دفتر مدیریت تجمع خواهند نمود. با توجه به پیگیری‌ها و نامه‌نگاری‌های چند سال گذشته درخصوص عدم اجرای طرح بازنگاری طبقه بندی مشاغل و بی‌توجهی مدیریت و مسئولین نسبت به اجرای آن، رانندگان در تاریخ ۲۸ آذر دست به تجمع اعتراضی مقابل شورای شهر و شهرداری تهران زدند. طی چند روز گذشته ده‌ها تن از کارگران شرکت واحد تلفنی به مرکز پلیس امنیت تهران احضار شده‌اند. کارگران در تلفن پلیس امنیت تهدید شده‌اند که نباید در اعتراض شنبه ۱۸ دی شرکت کنند.

### تجمع مجدد کارگران سد سفارود رضوانشهر

روز یکشنبه ۱۲ دی‌ماه حدود ۷۰ نفر از کارگران سد سفارود در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق ۷ ماهه خود مجدداً در مقابل کارگاه این سد تجمع کردند. کارگران می‌گویند بارها مسوولان وعده پرداخت حقوق عقب افتاده را داده‌اند، ولی این وعده هنوز عملی نشده است. حدود ۴ ماه هم حق بیمه این کارگران پرداخت نشده است. ساخت سد سفارود از شهریور متوقف شده و حدود ۸۰۰ کارگر بیکار شده‌اند.

### اجتماع کارگران رنگین نخ سمنان مقابل استانداری

صبح روز یکشنبه ۱۲ دی‌ماه کارگران رنگین نخ سمنان که پیش از این ۱۴ بار تجمعات مشابهی را مقابل ساختمان‌های دولتی در استان انجام داده‌اند، با تجمع در مقابل ساختمان استانداری پیگیر مطالبات مزدی و سنواتی خود شدند. یکی از این کارگران گفت: ما کارگران دست کم ۵۰ نفر هستیم که از سال ۹۲ پیگیر مطالبات‌مان از مسئولان شهرستانی و استانی هستیم اما متأسفانه بعد از گذشت هشت سال هنوز هیچ اقدامی در جهت پیگیری مطالبات انجام نشده است.

بلا تکلیف هستند.

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

#### چهار ماه مطالبات معوق کارگران «پارس پامچال»

کارگران کارخانه «پارس پامچال» در قزوین میگویند: بابت ۴ ماه معوقات مزدی سال جاری طلبکاریم و با اتمام دی ماه؛ این معوقات به ۵ ماه افزایش پیدا می‌کند. به صورت مشخص در حال حاضر حجم معوقات مزدی کارگران این واحد تولید کننده انواع رنگ و رزین واقع در شهر صنعتی البرز در استان قزوین حدود ۴ ماه برآورد می‌شود. پیش از این مطالبات مزدی مان به ۵ تا شش ماه می‌رسید که با پیگیری کارگران بخشی از مطالبات پرداخت شده است. آنها با بیان اینکه حق بیمه کارگران این کارخانه حدود ۵ ماه به تاخیر افتاده است و اگر مدیریت کارخانه راهکاری برای پرداخت بدهی‌های خود به کارگران پیدا نکند همه کارگران برای تامین هزینه‌های زندگی خود دچار مشکل خواهند شد.

#### تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی اهواز

روز دوشنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۰، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی استان خوزستان، در مقابل ساختمان اداره کل سازمان تأمین اجتماعی این استان تجمع کردند. تجمع این افراد در اعتراض به ادامه وضعیت بد معیشتی و اجرای همسانسازی ناقص و عدم تصویب دائمی آن صورت گرفته است.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان معدن سنگرود

صبح روز یکشنبه ۱۲ دی ماه بازنشستگان معدن سنگرود واحد البرز غربی در اعتراض به بی‌توجهی ایمیدرو و سازمان تأمین اجتماعی نسبت به پرداخت خسارت، مقابل مجلس تجمع کرده بودند، که پس از آن نیز مقابل ساختمان تهیه و تولید مواد معدنی تجمع کردند. این کارگران میگویند سالهاست پیگیر وضعیت بازنشستگی خود هستیم، اما تاکنون هیچ جوابی از این سازمان نگرفته‌ایم. یکشنبه‌های اعتراضی همچنان پابرجاست.

#### کارگران شهرداری رودبار

حدود ۷۰ نفر از کارگران مجموعه شهرداری رودبار در استان گیلان نسبت به پرداخت نشدن دستمزد چهار تا پنج ماه حقوق و مطالبات خود اعتراض دارند. کارگران میگویند عدم پرداخت منظم دستمزد در مجموعه شهرداری رودبار مشکلات خانوادگی و معیشتی برای کارگران به وجود آورده است. طی این مدت از همه آشنایان قرض کرده‌ایم. به علت مشکلات مالی شهرداری و پرداخت نشدن دستمزد چهار تا پنج ماه از دستمزدهایمان نسبت به هزینه‌های واقعی زندگی، هر روز سفره‌هایمان به نسبت روز قبل کوچکتر می‌شود. غیر از حقوق‌های معوقه سال جاری، مطالبات پرداخت نشده قدیمی هم داریم که مربوط به سالهای ۹۴ و ۹۵ است و پیمانکار هنوز به حساب کارگران واریز نکرده است. یکی از این کارگران میگوید در مجموعه شهرداری رودبار بیشتر از ۱۸ سال است تحت مسئولیت یک شرکت واسطه‌ای مشغول کار هستیم، شرکتی که به بهانه تأمین نیرو عملاً هیچ نقشی در ارائه خدمات ندارد.

#### تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد

روز یکشنبه ۱۲ دی ماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد در خوزستان، اصفهان و تهران مقابل ساختمان این صندوقها تجمع کردند. این بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع می‌زنند.

#### تجمع کارگران بازنشسته شرکت مخابرات راه دور شیراز

روز شنبه ۱۱ دی ماه، شماری از کارگران بازنشسته شرکت مخابرات راه دور شیراز، در مقابل ساختمان خانه کارگر این شهرستان، دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان به اجرایی نشدن مصوبات استانداری فارس معترض‌اند و خواهان پرداخت مطالبات ایام اشتغال خود که از دهه ۸۰ بلا تکلیف باقی مانده هستند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان معدن سنگرود مقابل مجلس

روز یکشنبه ۱۲ دی ماه بازنشستگان معدن سنگرود در اعتراض به عدم رسیدگی به وضعیت بازنشستگی خود مقابل مجلس اعتراض کردند. بازنشستگان می‌گویند در حالیکه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس سازمان تأمین اجتماعی و ایمیدرو را مکلف به پرداخت خسارت به این بازنشستگان کرده است، تاکنون هیچ خسارتی به آنها پرداخت نشده و همچنان

#### وضعیت بکتاش آبتین وخیم تر شده است

روز ۱۱ دی ماه وضعیت بکتاش آبتین، شاعر، فیلمساز

غیرقانونی“ و “فعالیت تبلیغی علیه نظام“ به ۶ سال و ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

**خالد پیرزاده** زندانی سیاسی و قهرمان پرورش اندام محبوس در زندان شیبان اهواز، روز گذشته در اقدامی اعتراضی چشم راست خود را با ۱۰ بخیه دوخته است. پیرزاده در حالی که از رسیدگی پزشکی محروم شده است، دلایل این اقدام را اعتراض به وضعیت موجود در ایران، روند دادرسی و حبس ناعادلانه، خلف وعده مسئولان درباره آزادی مشروط وی و برخوردهای توهین‌آمیز مقامات قضایی و زندان با خانواده، همسر و دختر خود عنوان کرده است.

با گذشت نزدیک به سه ماه از بازداشت **خدیجه مهدی‌پور** سی و چهار ساله و از فعالین مدنی شهرستان ایوانغرب و ساکن شهر ایلام توسط نیروهای امنیتی، هیچ اطلاعی از محل نگهداری و سرنوشت وی در دسترس نیست. به گفته یک منبع مطلع، طی سه ماه گذشته خدیجه مهدی‌پور از حق ملاقات با خانواده و همچنین حق دسترسی به وکیل محروم بوده و همین منجر به نگرانی خانواده وی شده است. خدیجه مهدی‌پور روز یکشنبه هجدهم مهر ماه بدون ارائه هرگونه برگه قضایی توسط نیروهای امنیتی ایلام بازداشت گردید.

\*\*\*



## ستون اخبار کارگری

### و حرکت‌های اعتراضی ...

و عضو #کانون\_نویسندگان\_ایران وخیم‌تر شد و پزشکان برای ادامه‌ی روند درمان او را در وضعیت کمای مصنوعی قرار دادند. خانواده‌ی آبتین ۲۲ آذر ماه موفق شدند برای او از زندان مرخصی بگیرند. فشاری که در این ده روز از سر گذرانده بود، درگیری بالای ریه و پایین بودن جدی سطح اکسیژن خون باعث شد که با وجود تلاش شبانه‌روزی کادر درمان، آبتین روزهای بعد را بی هیچ نشانه‌ای از بهبود سپری کند. انتقال شبانه‌ی او به بیمارستان طالقانی و به زنجیر کشیدن او بر تخت بیمارستان، بی‌خبر نگه داشتن خانواده و همبندان از وضعیت او اوج وحشیگری دستگاه قضایی رژیم اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی را نشان می‌دهد که اکنون به یک کمپین وسیع در میان فعالین سیاسی اجتماعی تبدیل شده است که خواهان آزادی آبتین و همه زندانیان سیاسی هستند.

#### احضار محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران

بازپرس شعبه ششم دادرسی عمومی و انقلاب شهریار طی حکمی محمد حبیبی را برای پاره‌ای از توضیحات به پلیس امنیت غرب استان تهران احضار کرد. در این احضار به آمده است که این فعال صنفی به همراه وکیل خود حاضر شود. سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران پیش‌تر با اتهاماتی واهی به هفت سال و نیم زندان محکوم شده بود که نزدیک به سه سال را در زندان گذراند. همچنین دادگاه اداری وزارت آموزش و پرورش حکم اخراج و بازخرید از خدمت را برای این فعال صنفی معلمان صادر کرده است.

#### احضار فعالین صنفی معلمان خوزستان

دادگاه انقلاب اهواز فعالان صنفی، پیروز نامی، علی کروشات و فرنگیس نسیم پور را جهت رسیدگی به اتهامات فراخواند. علی کروشات، پیروز نامی و فرنگیس نسیم پور از اعضای هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان استان خوزستان هستند و به واسطه فعالیت صنفی مورد اتهام قرار گرفته‌اند.

#### احضارها، زندان و سرکوب

**نازنین محمد نژاد** برای سپری کردن ۳ سال و ۴ ماه حبس راهی زندان اوین شد. نازنین محمد نژاد دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۹۹ توسط مأموران اطلاعات سپاه در منزل خودبازداشت شده بود.

**بهاره سلیمانی** روز یکشنبه ۱۲ دی‌ماه، جهت تحمل دوران محکومیت خود راهی زندان اوین شد. بهاره سلیمانی مرداد ماه سال جاری به همراه تعدادی دیگر از فعالین توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قضای ایمان افشاری محاکمه و از بابت اتهام “مشارکت در اداره گروه

**آموزش رایگان برای همگان!**

## یادداشتها،

سیاوش دانشور



## ممنوعیت واردات واکسن کرونا، اقدام آگاهانه برای جنایت

جمهوری اسلامی بار دیگر خرید و ورود واکسن خارجی را ممنوع کرده است. رئیسی مدعی بود که اولویت دولت وی رفع مسئله واکسن و خرید آنست. چقدر هم مدال به سینه رئیسی بعد از صد روز نمایش الصاق کردند. حال روی حرف اول خامنه ای برگشته اند و به بهانه تولید داخلی واردات واکسن استاندارد و مورد تایید نهادهای جهانی را ممنوع کردند.

نظر به اینکه بخش مهمی از مردم ایران هنوز واکسینه نشدند و سویه جدید بسیار فراگیرتر است، اقدام حکومت برای ممنوعیت واردات واکسن اقدامی سیاسی برای قتل عام است. نتیجه دستور اول خامنه ای برای ممنوعیت واکسن انگلیسی و آمریکایی، بیشمار شهروند ایران در سکوت قتل عام شدند. ممنوعیت مجدد حتی از دور اول آگاهانه تر است. هدف حکومتی ها از این سیاست، زمین گیر کردن مردم و استفاده مالی و امنیتی از شرایط کرونایی است. خامنه ای و کل حکومت از کرونا برای قتل عمد مردم استفاده می کنند.

## #اتوبوس\_ خوابها و جای گرم و شکم سیر چمران

ما تنها اسیر یک دولت استثمارگر و قاتل و فاسد نیستیم. دروغگوئی و وقاحت مشخصه مسئولین حکومتی است. آخرین شاهکار را مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران در قبال اتوبوس خوابی خلق کرده است. صحبت از اجاره اتوبوسهای بی آر تی به بی خانمان ها با شبی ۲۵۰۰۰ تومان کرایه است.

وقتی از جناب رئیس شورای شهر مسئله را می پرسند، چمران میگوید: "اینجا حاشیه است!!!!" "خب عده ای توی اتوبوس خوابشان میبرد!!!!" می بینید وقاحت آخوندی را؟! او معم نیست اما یک پا آخوند کلاش است و چشم در چشم دوربین و خبرنگار مسئله اتوبوس خوابی اجاره ای را به "خواب رفتن مسافر" تغییر میدهد! تردید نکنید بیزنس "هتل اتوبوس" از ایده های شگرف خود وی و زیردستانش بوده و خودش روال جلب مشتری و میزان کرایه و تعداد و مکان اتوبوسها را سازمان دادند.

مهدی چمران یک جنایتکار قدیمی حکومت است. او برادر مصطفی چمران است که جنایتهایش در کردستان در اوائل انقلاب ثبت شده است. او جزو کمیته استقبال از خمینی و جانشین مصطفی چمران بعنوان فرمانده ستاد جنگهای نامنظم علیه مخالفین سیاسی بوده است. چمران در حکومت اسلامی "حق آب و گل" دارد و فسادهای بیحد و حصر وی همراه با شهردار قالیباف را کسی "کش" نداده است!

اما "حاشیه ای" نامیدن اتوبوس خوابی توسط چمران، اگرچه با ناسزای بحق هر شنونده ای روبرو میشود، منعکس کننده شخصیت پائین و تفکر گنبدیده و فاشیستی مسئولین حکومتی است. آری، برای چمران ها و آخوندها که کل مملکت را قورت داده اند، فرزندانشان در بهترین قسمتهای آمریکای شمالی و اروپا با ثروتهای کارگران پز میدهند، حسابهایشان مملو از دلار و یورو است و خرج هر شب شان معادل چند ماه حقوق کارگر است، اتوبوس خوابی البته "حاشیه ای" است. اصولاً برای بورژوازی مردمی که به فقر و فلاکت محکوم شدند "حاشیه ای" اند. "متن" برای حضرات یعنی نظام اسلامی، تداوم لغت و لیس، توافقات در دالانهای حکومتی، آدمکشی و اعدام و بقاء، فساد و بالا کشیدن ثروتهای مردم!

چمران بچه آخوند باشد یا یک حزب الهی متعصب، کراواتی و مکلا، فرقی نمیکند؛ این بورژوازی اسلامی است. این بورژوازی جزو ضد انسان ترین، آدمکش ترین، و قبیح ترین و فاسدترین هاست. چمران جایش گرم و شکمش سیر است، برای همین چرند میگوید. کسی که زندگی ده ها میلیون انسان بی خانمان و فلاکت زده و گرسنه و محتاج نان شب و گورخواب و اتوبوس خواب را "حاشیه ای" میداند، جایش در شورای شهر نیست، جایش در گاوداری است. البته درحق گاو بی انصافی نشود، گاو حیوان نجیبی است و مورد استفاده گوشتخواران. گاو هزار بار بر این موجود بیشرم و قصی القلب ارجحیت دارد.

چمران، کسی که باندازه گاو از شعور اجتماعی و حقوق انسانی نمیفهمد، اعتراف کرده: "برخی از مردم از شهرستانها به تهران می آیند و برای اینکه شب جای خواب داشته باشند در اتوبوس می خوابند که باید این قضیه ساماندهی شود". این یک دروغ و قبیحانه دیگر است. "برخی از مردم" آنهم "مسافر تهران" نه اهل تهران و بی خانمان، گوئی آخوندی بی چاک و دهن مقابلت نشسته و بیوقفه لیچار میگوید.

چمران نکبت و حکومت چمرانها! منتظر روزی باشید که این "حاشیه" چنان "متن" را قرق کند که نفس تان بند بیاید و امثال تو دنبال سوراخ موش باشی!

## #مانکن ها زیر تیغ گیوتین #طالبان

بدستور طالبان و دستگاه کنترل تحریک جنسی اهل اسلام، بنا به شرع انور و جهت جلوگیری از تحریک شدن برادران امارت اسلامی، سر مانکن های پلاستیکی را در ملاء عام با اره بریدند. از محصولات جدید دمکراسی غربی و پاکستان. در واقع آنها دلشان برای دار زدن و سربریدن تنگ شده است. پیام این عمل شنیع به زنان آزاده است که هر روز علیه حکومت تحمیلی فریاد میزنند. آنها قبل از مانکن ها، زنان در یک جامعه را از زندگی ساقط کردند.

\*\*\*

آموزش رایگان برای همگان!

## مجمع عمومی بزرگ کارگران فولاد اهواز

دیروز ۱۳ دیماه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز مجمع عمومی بزرگی تشکیل دادند و طی آن مدیریت را وادار به پاسخگویی به سوالات کارگران کردند. کارگران شرکت گروه ملی فولاد اهواز در این مجمع ضمن پافشاری بر مطالبات اولیه خود مبنی بر: ورود مستمر مواد اولیه، استمرار تولید در مجتمع، تامین قطعات، اصلاح وضعیت حقوق دریافتی و همسان سازی آن با دیگر شرکتهای فولادی هستند.

کارگران فولاد از حقوق های زیر خط فقر ناراضی و عصبانی هستند و خواهان افزایش دستمزدها متناسب با هزینه های زندگی هستند.

**دروغ بر رزم و اتحاد کارگران فولاد!  
زنده باد مجمع عمومی منظم کارگران!**



**آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست**

**دفتر مرکزی حزب**

**پروین کابلی**

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

**رئیس دفتر سیاسی**

**سیاوش دانشور**

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

**دبیر کمیته مرکزی**

**جمال کمانگر**

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

**دبیر کمیته سازمانده**

**رحمان حسین زاده**

[hosienszade.r@gmail.com](mailto:hosienszade.r@gmail.com)

**دبیر کمیته کردستان**

**صالح سرداری**

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

**دبیر تشکیلات خارج**

**نادر شریفی**

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

**نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

**سر دبیر: سیاوش دانشور**

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

**اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:**

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

**هفتگی  
کمونیست**



**زنده باد سوسیالیسم!**